



انجمن علمی دانشجویان معارف اسلامی و حقوق دانشکده امام صادق علیه السلام



دانشگاه امام صادق علیه السلام

حقوق تجارت ۳

اسناد تجاری
برات، سفته، چک

دکتر فخاری

انجمن علمی دانشجویان دانشکده معارف اسلامی و حقوق
دانشگاه امام صادق علیه السلام

۳	اسناد تجاری
۴	تعریف سند تجاری
۴	عناصر تشکیل دهنده تعریف:
۵	فواید اسناد تجاری
۶	اشکالات استفاده از پول
۸	مزایای اسناد تجاری:
۱۱	ویژگی خاص چک
۱۱	چه اسنادی لازم الاجرا هستند؟
۱۴	اسناد تجاری در تجارت بین الملل
۱۶	برات
۱۷	تعریف برات
۱۸	ماهیت حقوقی برات
۱۹	شرایط برات
۲۶	ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط ماده ۲۲۳
۲۸	صدور برات به نمایندگی
۲۹	محل برات
۳۰	اثر تئوری محل
۳۲	قبول برات
۳۳	شرایط قبولی برات
۳۷	نکول برات
۳۸	اعتراض نکول، واخواست نکول

قبولی شخص ثالث.....	۴۶
ضامن.....	۵۰
ظهن نویسی.....	۵۳
ظهن نویسی به منظور انتقال.....	۵۴
ظهن نویسی به منظور وکالت در وصول.....	۵۶
ظهن نویسی به عنوان وثیقه.....	۵۹
پرداخت برات.....	۶۱
مقایسه مقررات ایفای دین و پرداخت اسناد تجاری.....	۶۲
پرداخت از طرف شخص ثالث.....	۶۳
مسئولین برات.....	۶۵
مسئولیت برات دهنده.....	۶۵
مسئولیت ظهن نویس ها.....	۶۶
مسئولیت برات گیر.....	۶۷
وظایف دارنده سند.....	۶۷
حقوق دارنده برات.....	۷۰
برات رجوعی.....	۷۰
سفته.....	۷۲
شرایط صحت سفته.....	۷۳
چک.....	۷۵
شرایط اساسی و شکلی چک.....	۷۶
مرور زمان در دعاوی مربوط به اسناد تجاری.....	۸۲

اسناد تجاری

اسناد تجاری، اسنادی هستند که در امر تجارت و در معاملات تجارتي مورد استفاده قرار می‌گیرند. و این اسناد می‌توانند متعدد باشند یعنی کلیه اسنادی که در امر تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرند متعدد و مختلف هستند. ولی آنچه مورد بحث ماست آن اسنادی است که برای پرداخت و به عنوان وسیله پرداخت در امور تجارتي مورد استفاده قرار می‌گیرند و عبارتند از برات، سفته، چک و در سایر کشورها هم به عنوان اسناد تجاری شناخته شده‌اند.

اسناد تجاری به معنای عام: بارنامه، قبض انبار و ...

اسناد تجاری به معنای خاص: برات، سفته، چک.

قانون تجارت ما یکی از ابواب خود را به برات، سفته و چک اختصاص داده است. (باب چهارم قانون تجارت) و نام آن را اسناد تجاری قرار نداده است زیرا قانونگذاران می‌دانستند که اسناد دیگری هم به اجزای این موارد وجود دارد.

این باب چهارم شامل ۴ فصل است:

(۱) برات (۲) سفته (۳) چک (۴) مرور زمان اسناد تجاری

در زمان ما اسناد تجاری به مثابه پول در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین اهمیت مربوط به اسناد تجاری کاملاً واضح و روشن است. می‌توان گفت در زمان ما بازرگانان فقط از اسناد تجاری استفاده می‌کنند.

تعریف سند تجاری

سند تجاری، سندی است قابل معامله و به نفع دارنده آن، معرف وجود طلبی در سررسید کوتاه مدت می‌باشد و بین بازرگان در معاملات بازرگانی در معاملات بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عناصر تشکیل دهنده تعریف:

این اوراق از نظر اینکه در اثبات دعوی مورد استفاده قرار می‌گیرند سند نامیده می‌شوند و باید توجه داشت سند یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی است. سند از نظر ارزش اثبات و قدرت اثبات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) سند رسمی: سندی است که در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود یا نزدیکی از مأمورین رسمی دولت و در چارچوب قوانین و مقررات و در حوزه اختیارات و وظایف آن مأمور.

(۲) سند عادی: اسنادی که رسمی نباشد عادی شناخته می‌شوند.

بنابراین اسناد تجاری، اسناد عادی هستند. ولی باید توجه داشت که اگر سند تکذیب نشد و یا اصالت آن ثابت شد تفاوتی میان سند رسمی و عادی وجود ندارد.

و باید توجه داشت که در موارد محدودی افراد مجبور به تنظیم سند رسمی هستند و در سایر موارد افراد آزادند که سند عادی تنظیم کنند.

این اسناد قابل معامله هستند یعنی قابل نقل و انقالت همانند پول. پول ماهیتاً قابل نقل و انتقال است و نمی‌توان پول را تحت هیچ شرایطی غیر قابل انتقال دانست. و اسناد تجاری هم چون در معاملات جانشین پول هستند باید از این قابلیت نقل و انتقال برخوردار باشند.

این اسناد، همانگونه که پول در دست هر کسی بود دلیل آن است که متصرف آن مالک آن است، در دست هر کس یافت شود معرف آن است که دارنده مبلغ مذکور در سند طلب دارد، یعنی این اسناد معرف و بیانگر طلب است.

این اسناد در وجه وجه شخص معین باشند یا نباشند، سند در وجه حامل یعنی سندی که نام مالک آن قید نشده و مالک آن کسی است که آن را در تصرف دارد.

در اینجا بعضی در مورد اسناد در وجه حامل، قاعده ید، مالک را مشخص می‌کند.

منتها سررسید این اسناد، که بین بازرگانان انجام می‌گیرد، کوتاه است.

معاملات بین بازرگانان معمولاً مدت‌دار است. معمول و عرف بازار این است که معاملات به صورت نقد انجام نمی‌گیرد. تاجر به دنبال خرید و فروش است و یکی از مهمترین ویژگی‌های تجارت مدت دار بودن معاملات است. مدت‌دار بودن معاملات رویه و معمول تجارت بین بازرگانان است ولی این مدت‌ها کوتاه است. بنابر این اسناد هم مدت‌دار است ولی مدت آنها کوتاه است.

این اسناد در ابتدا برای این به وجود آمدند که ما بین بازرگانان مورد استفاده قرار گیرند، و اگر امروزه غیر بازرگانان از این اسناد استفاده می‌کنند، هم از نظر کمیت و هم کیفیت بسیار کمتر از بازرگانان است. به همین دلیل نام این اسناد را اسناد تجاری (تجارتی) نهاده‌اند.

فواید اسناد تجاری

(۱) نخستین فایده‌ای که اشاره شد، این است که این اسناد وسیله پرداخت هستند. پول در زمان ما به عنوان وسیله مناسب برای پرداخت نیست.

امروزه تقریباً تمام دریافت‌ها و پرداخت‌های بازرگانان از طریق اسناد تجاری انجام می‌گیرد و کمتر از پول نقد استفاده می‌کنند و استفاده از پول نقد فقط در معاملات کم اهمیت وجود دارد.

اشکالات استفاده از پول

الف) در مرحله اول تحویل و کنترل پول زمان‌بر است و هر چیزی که زمان‌بر باشد مخالف طبع معاملات تجاری است. کنترل ده میلیون تومان پول نقد زمان زیادی می‌برد در حالیکه یک فقره چک ده میلیون تومانی به راحتی قابل تحویل و کنترل است.

ب) مشکل دیگر، خطر حمل پول است. احتمال سرقت پول زیاد است. خطرناک بودن حمل پول از حمل پول‌بانکها توسط ماشین‌های مخصوص با مأمورین مسلح روشن است.

ج) مشکل سوم که خطر مهمی است مسئله نگهداری پول است. بانک‌ها هم با وجود ضریب امنیت بالا پول نزد خود نگه نمی‌دارند.

چاپ پول و کاغذ آن هزینه بالایی می‌برد و هر چه بیشتر از پول استفاده شود استهلاک آن بیشتر و هزینه بیشتری برای دولت ایجاد می‌کند.

د) توصیه علمای اقتصادی هم این است که افراد کمتر پول نزد خود نگه دارند. زیرا وجود پول میان مردم تورم‌زاست.

در مجموع این مطالب، نتیجه می‌شود که پول در معاملات مورد استفاده قرار نگیرد و از اسناد تجاری استفاده شود که اسناد تجاری هیچ یک از این مشکلات را ندارند.

۲) دومین فایده: اسناد تجاری وسیله انتقال طلب و انتقال وجه هستند.

در مورد برات یک برات دهنده داریم که برات را صادر می‌کند ، شخصی داریم به نام برات‌گیر که برات را باید پرداخت کند و یکی هم دارنده برات است.

قبل از صدور برات دو رابطه حقوقی وجود دارد:

(۱) برات دهنده از برات‌گیر قبل از صدور برات طلب داشته است.

(۲) برات دهنده به دارنده برات بدهکار بوده است.

بعد از وجود این دو رابطه برات صادر می‌شود با صدور برات، برات دهنده طلب خود را از برات‌گیر وصول نموده و بدهی خود را به دارنده برات پرداخت می‌نماید.

یعنی به عبارت دیگر برات‌دهنده طلب خود را به دارنده برات منتقل می‌کند.

همچنین دارنده برات قبل از سررسید برات می‌تواند با ظهرنویسی آن را به دیگری منتقل نماید که مکانیسم انتقال طلب به راحتی در این دو مورد قابل مشاهده است.

گفتیم دیگر فایده وجود اسناد تجاری انتقال وجه است. یعنی تاجری که در شهر دیگر معامله می‌کند با صدور چک انتقال وجه می‌دهد. (زمانی که مالک محالاً علیه در شهر دیگری قرار دارد).

(۳) این اسناد وسیله کسب اعتبار است.

بازرگانان کالایی را از بازرگانان دیگر خریداری می‌کند که پول ۲ ماه دیگر دهد. لازم نیست که بازرگانان تا سررسید مقرر صبر کنند بلکه می‌تواند به اعتبار آن سند معامله کند قبل از اینکه سررسید سند تجاری رسیده باشد.

به دو طریق بازرگان می‌تواند از سند تجاری که سر رسید آن نرسیده است استفاده کند (کسب اعتبار کند)

الف) اسکنت (تنزیل) یعنی بازرگان دارنده سند تجاری با ظهرنویسی آن و با کم کردن ارزش آن مطابق نرخ تنزیل، معامله می‌کند.

مثلاً چک سه ماه دیگر به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان را به مبلغ ۴,۹۰۰,۰۰۰ مورد معامله قرار می‌دهد و با انجام معامله سود ببرد و مقداری از این سود را به کسی که تنزیل می‌کند پرداخت کند.

بانک عملیات تنزیل را بسیار انجام می‌دهند. زیرا بانک موجود زیادی دارد می‌تواند با تنزیل کردن اسناد تجاری، سود دریافت کند. دارنده سند تجاری هم پول را زودتر می‌گیرد و سود می‌برد. با وجود اینکه قانون عملیات بانکی قبل از انقلاب و قانون بانکداری بدون ربا بعد از انقلاب اجازه اسکنت را به بانک‌ها داده است عملاً بانک مرکزی چنین اجازه‌ای نداده است. ولی در بازار با نرخ بالا این عمل انجام می‌گیرد.

ب) دارنده سند تجاری در معاملات خود از آن استفاده کند:

تاجری که چک دریافت کرده است معاملاتی انجام می‌دهد و می‌تواند در معاملات خود به جای اینکه خود سند صادر کند، سندی را که دریافت کرده به تاجر دیگر بدهد و معامله کند.

زیرا ممکن است خود تاجر اعتبار چندانی نداشته باشد ولی صادر کننده سند دارای اعتبار زیادی باشد.

مزایای اسناد تجاری:

۱) مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری: در مورد اسناد تجاری مختلف افراد مختلفی به اعتبارهای مخالف سند را امضاء کنند. مثلاً برات را برات‌دهنده و برات‌گیر امضا می‌کنند. و دارنده برات هم می‌تواند با ظهرنویسی آن را به دیگری منتقل نماید. همچنین ممکن است عده‌ای به عنوان ضامن برات‌دهنده یا برات‌گیر آن را امضاء کنند.

کلیه کسانی که سند تجاری را امضاء می‌کنند تا اندازه مبلغ سند مسئولیت تضامنی دارند.

یادآوری:

مسئولیت تضامنی مسئولیت جمعی است: یعنی حداقل باید دو نفر وجود داشته باشد. با وجود مسئول واحد مسئولیت تضامنی نمی‌تواند مطرح شود.

در نظام حقوقی ما مسئولیت جمعی، مسئولیت نسبی است. نسبت این مسئولیت را با قانون معین کرده است. مثل زمانی که خانه‌ای مخروبه‌ای که به ارث رسیده است خراب شود و خسارت به بار آورد در اینجا مالکین خانه مسئول هستند که مسئولیت آنها نسبی است و این نسبت را قانون معین کرده است. (به نسبت ارث) گاهی اوقات نسبت را قرارداد معین می‌کند.

در پاره‌ای از موارد، اوضاع و احوال نسبت مسئولیت را معلوم می‌کند. مثل نظر کارشناس، و خبره و ... مثلاً در یک تصادف بین سه اتومبیل که دو اتومبیل مقصر هستند. نسبت مسئولیت هر یک را کارشناس فنی معین می‌کند.

گاهی اوقات ممکن است دو نفر مسئولیت را بپذیرند ولی نسبت را معین نکنند. مثلاً دو نفر متعهد می‌شوند در تاریخ اول اسفند ۱ میلیون تومان به شخص ثالثی بپردازد. اگر نسبت تعیین نشده باشند قاعده منطقی تساوی را اعمال می‌کنیم.

مسئولیت نسبی در قانون و فقه ما آمده است. ولی مسئولیت تضامنی کاملاً بر خلاف مسئولیت نسبی است مسئولیت تضامنی یا به حکم قانون یا مطابق قرارداد ایجاد می‌شود. (ماده ۴۳ ق.ت)

اگر قانون حکمی نداشته باشد و قراردادی هم به صراحت وجود نداشته باشد باید مسئولیت را نسبی بدانیم. ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسئولیت تضامنی را برای اسناد تجاری معین داشته است. بنابراین مسئولیت تضامنی در مورد امضاء کنندگان اسناد تجاری به حکم قانون است.

یکی از انواع قرارهایی که دادگاه صادر می‌کند قرار تأمین خواسته است. وقتی کسی دعوی را طرح می‌کند تا اینکه دعوا منجر به صدور حکم شود مدت زیادی طول می‌کشد و وقتی خواهان یا مدعی حکم بر محکومیت خوانده بگیرد باید نسبت به آن حکم تقاضای صدور اجرائیه به عمل آورد و پس از صدور اجرائیه باید مالی از اموال این محکوم علیه را معرفی کند تا اجرا آن مال را بفروشد و از حاصل فروش آن مال این حکم به مرحله اجرا درآید. و امکان اینکه بتواند از محکوم علیه مالی بدست آورد ضعیف است.

در چنین شرایطی به دست آوردن مال از محکوم علیه سخت است زیرا اگر هم مالی داشته در مدت جریان رسیدگی به فروش رسانده یا به صورت صوری انتقال داده است. بنابراین خواهان هزینه فراوانی کرده و در دادگاه به نفع وی حکم صادر می‌شود ولی این حکم برای او سودی ندارد در حالیکه وقت و هزینه فراوانی از دست داده است.

به همین علت خواهان بعد از ارائه دادخواست یا قبل از آن می‌تواند از دادگاه تقاضای بازداشت اموال محکوم علیه را نماید تا پس از صدور حکم به نفع وی بتواند از این مال بازداشت شده استیفای طلب نمود. برای توقیف مال خوانده لازم است دادگاه قرار تأمین خواسته صادر نماید. وقتی این قرار صادر شد در اجرای این قرار خواهان که قرار به نفع او صادر شده که مالی از اموال خوانده را به اجرا معرفی می‌کند و اجرا این مال را بازداشت می‌کند.

این یک بعد قضیه است ولی مسئله دیگری هم مطرح است. اگر خواهان در دادگاه محکوم به بی‌حقی شود و دادگاه دعوی او را رد کند و ممکن است به علت این بازداشت که مدتی به طول انجامیده خسارتی به صاحب مال وارد شده باشد. برای اینکه در صورت رد دعوا خسارات وارده بر خوانده قابل جبران باشد

دادگاه حکم می‌دهد که خواهان مبلغ معینی در صندوق دادگستری ایداع نماید. تا در صورتیکه دعوا رد شود و به دلیل بازداشت اموال خوانده ضرری به وی وارد شده باشد از محل این وجه خسارت خوانده جبران شود.

میزان این سپرده را دادگاه تعیین می‌کند که معمولاً ۲۰٪-۱۰٪ مال توقیف شده است. در پاره‌ای موارد دادگاه اقدام به صدور قرار تأمین می‌کند بدون الزام خواهان به ایداع وجه در صندوق دادگستری. این موارد عبارتند از دعاوی که مستند آنها چک، سفته و برات باشد.

این امر امتیاز بزرگی است زیرا خواهان دیگر نیازی نیست مبلغی را در صندوق دادگستری بگذارد و این مسئله قطعاً به نفع او خواهد بود.

این دو امتیاز مربوط به هر سه اسناد تجاری است (چک، سفته، برات)

ویژگی خاص چک

چک که در جامعه ما از متداول‌ترین اسناد تجاری است از امتیازات خاصی برخوردار است که دو سند تجاری دیگر از این مزایا برخوردار نیستند.

۱) طبق ماده ۱ قانون چک مصوب ۱۳۵۵ چک در حکم سند لازم‌الاجراست یعنی نیازی به حکم برای اجرا ندارد و برای اجرای فقط ارائه آنها لازم است.

چه اسنادی لازم‌الاجرا هستند؟

برخی اسناد رسمی لازم‌الاجرا هستند. شخصی آپارتمانی را با سند رسمی اجاره می‌کند با اجاره ماهی ۳۰۰،۰۰۰ تومان. مستأجر در منزل ساکن شده است ولی اجاره بها را نمی‌پردازد. در این حالت موجر نیازی

به طرح دعوا در دادگاه و تقاضای محکومیت مستأجر به پرداخت اجاره‌بها ندارد. بلکه کافی است سند اجاره را به دفتر ثبت (که در آنجا به ثبت رسیده) ارائه کند و حکم اجرا از دایره اجرای ثبت بگیرد.

ولی اگر همین سند عادی باشد، لازم است تا فرد ابتدا در دادگاه طرح دعوا نماید، حکم محکومیت خوانده را بگیرد سپس حکم دادگاه را به اجرا بگذارد. در این مثال تفاوت سند لازم‌الاجرا (رسمی) و عادی مشخص شد.

چک سند رسمی و لازم‌الاجرا نیست بلکه در حکم سند لازم‌الاجراست یعنی سند عادی لازم‌الاجراست. و اجرای آن را از اجرای ثبت درخواست می‌کنند.

این نکته لازم به ذکر است علاوه بر صادرکننده ممکن است افرادی آن را ظهرنویسی کرده باشند. از اجرای ثبت فقط می‌تواند علیه صادرکننده اجرائیه گرفت نه علیه کسانی که آن را ظهرنویسی کرده‌اند.

۲) صادرکننده چک بلامحل قابل تعقیب کیفری است.

مجازات صدور چک بلامحل قبلاً ۶ ماه تا ۲ سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل ۱/۴ مبلغ چک بود که اکنون مجازات نقدی آن حذف شده است.

لازم به ذکر است که فقط صادرکننده چک بلامحل قابل تعقیب کیفری است نه کسانی که آن را ظهرنویسی کرده‌اند. ولی افرادی که آن را ظهرنویسی می‌کنند مسئولیت تضامنی دارند و قابل تعقیب حقوقی‌اند ولی قابل تعقیب کیفری نیستند.

۳) در مورد حق تمبر: به موجب قانون مالیاتها، هنگام صدور برات و سفته باید برای صدور این اسناد مالیات پرداخته شود. در مورد سفته و برات مالیات ثابت نیست بلکه مبلغ آن ۳ در هزار است که

در مبالغ بالا بسیار زیاد می‌شود. ولی مالیات چک ثابت است و مبلغ آن برای هر قطعه چک ۲۰۰ ریال است که قبلاً ۲ ریال بود.

واضح است در مورد بازرگانان که نیاز به صدور اسناد تجاری زیادی دارند استفاده از چک بسیار مقرون به صرفه‌تر از برات و سفته است.

۴) تفاوت در بحث وخواهی (چک نیاز به وخواست ندارد)

دارنده برات و سفته اگر با عدم پرداخت روبرو شوند باید اقدام به وخواست نمایند. یعنی اینکه بتوانند به مهم امضا کنندگان رجوع کند. هزینه وخواهی بسیار زیاد است. هر هزار تومان ۲۰ تومان به علاوه هزینه‌های دیگر.

در مورد چک نیازی به تقاضای وخواهی نیست بلکه بانک موظف است که گواهی عدم پرداخت صادر کند. فرم‌های مخصوصی وجود دارد که بانک آن را در صورتیکه چک پرداخت نشد صادر می‌کند و هیچ هزینه‌ای ندارد و به سرعت قابل تنظیم است.

در مورد چک رویه قضایی ما بیان می‌کند که نیاز به وخواست وجود ندارد، صدور گواهی عدم پرداخت به منزله وخواست است.

ماده ۳۱۴ قانون تجارت بیان می‌دارد. چک نیاز به وخواهی دارد همانند سفته و برات ولی رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور تأیید می‌کند: گواهی عدم پرداخت که از سوی بانک صادر می‌شود، در حکم وخواست است.»

بنابراین از سال ۱۳۶۹ دیگر در مورد چک نیازی به وخواهی نیست و صدور گواهی عدم پرداخت کافی است.

اسناد تجارتي در تجارت بين الملل

امروزه جهان به سرعت در حال صنعتي شدن است. جهان صنعتي نياز به تجارت و بازرگاني دارد. از ويژگي هاي مهم بازار غيرنقدي بودن و مدت دار بودن معاملات است.

امروزه بيشتر معاملات به صورت غيرنقدي انجام مي گيرد و افراد به جاي پول از برات و سفته استفاده مي کنند؛ زيرا برات و سفته اسناد مدت دار تجارتي هستند.

بازرگاني بين المللي سبب شده است تا اسناد تجاري هم جنبه بين المللي پيدا کنند مثلاً براتي در انگليس صادر مي شود در هلند قبول مي شود و به نفع يك بلژيكي ظهري نويسي مي شود. اگر مقررات مختلف بر چك حاكم باشد تكليف دارنده چك مشخص نخواهد بود. براي يكسان سازي اين مقررات تلاش هاي مختلفی انجام شد.

ولي به دليل جنگ جهاني اول اين تلاش ها متوقف شد ولي پس از جنگ جهاني اول و در سال ۱۹۳۰ سه کنوانسيون در ژنو تصويب شد.

کنوانسيون اول شامل دو ضميمه است. ضميمه شماره اول را قانون يکنواختي ژنو گویند. اين ضميمه حاوي کله مقرراتي است که

ضميمه دوم شامل رزوهاست. اينکه همه کشورها به اين کنوانسيون بپيوندند بسيار غيرمحمتم بود زيرا کشورهای مختلف داري نظام هاي مختلف حقيقي هستند که برخي اختلافات بسيار شديد است. به همين دليل يا کنوانسيون به تصويب نمي رسيد يا تعداد مواد آن بسيار اندک مي شد. راه حل مناسب اعطاي حق رزرو به کشورها مي باشد.

یعنی بررسی می‌کنند در مورد مسائل اختلافی به کشورها حق رزرو می‌دهند. البته موارد اختلاف احصاء می‌شود. مثلاً در کنوانسیون آمده است برات را صادر کننده باید امضاء کند ماده ۲ رزرو می‌گوید هر چیزی به جای مهر قابل قبول است.

کنوانسیون دوم ژنو حاوی موادی است در مورد تعرض قوانین. از همان ابتدا مشخص بود همه کشورها به این کنوانسیون نمی‌پیوندند. بنابراین احتمال بروز تعارض قوانین بسیار زیاد بود. زیرا ممکن بود در مورد مسأله واحد دو قانون متعارض لازم‌الاجرا بود. این کنوانسیون (دوم) احکام تعارض قوانین را بیان می‌کند.

کنوانسیون سوم ژنو راجع به حق تمبر بود. یعنی پرداخت مالیات در صدور اسناد تجارتي. قطعاً این بحث بین حقوقدانان مطرح بوده است که اگر به موجب قوانین کشوری لازم است تمبر الصاق و ابطال شود. آیا عدم الصاق موجب خدشه به اعتبار سند می‌شود. کنوانسیون سوم ژنو به این سوال پاسخ منفی می‌دهد. یعنی عدم الصاق تمبر موجب خدشه به اعتبار سند نمی‌شود. ماده ۱۲۹۴ قانون مدنی ایران هم همین مطلب را تأیید می‌کند.

این کنوانسیون در آن زمان به تصویب عمده کشورهای اروپایی به جز انگلستان رسید. انگلستان فقط به کنوانسیون سوم پیوست زیرا در انگلستان حق تمبر وجود ندارد.

در آن زمان کشورهای عمده و مهم کشورهای اروپایی بودند. ولی رفته رفته سایر کشورها مثل آمریکا، استرالیا، ... سربر آوردند و غولی شدند. و سازمان ملل تصمیم گرفت مقررات ژنو را اصلاح کند تا همه کشورها به آن بپیوندند.

کمیسیون سازمان ملل راجع به حقوق تجارت (آنسیترال) کمیته‌ای جهت این اصلاح مشخص نمود. در ابتدا این کمیته تصمیم گرفت مقررات را در کل جهان واحد کند. ولی به زودی به این نتیجه رسید که باید راه

کنوانسیون ژنو را در پیش گرفت. کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۸۲ به تصویب سازمان ملل رسید ولی هنوز لازم‌الاجرا نشده است.

در سال ۱۹۳۱ سه کنوانسیون در مورد چک به تصویب رسید که بسیار شبیه به سه کنوانسیون قبلی است و تا کنون هیچ اقدامی در زمینه اصلاح آن به عمل نیامده است. زیرا چک در پرداخت‌های بین‌المللی هیچ جایگاهی ندارد زیرا چک مربوط به پرداخت‌های نقدی است ولی بیشترین معاملات بین‌المللی مدت‌دار است و با چک انجام نمی‌گیرد.

ما تاکنون به هیچ یک از این دو دسته کنوانسیون نپیوسته‌ایم. و مقررات مربوط به اسناد تجاری در ایران همان است که در باب چهارم قانون تجارت آمده است.

باب چهارم قانون تجارت شامل ۴ فصل است:

(۱) برات (۲) سفته (۳) چک (۴) مقررات مرور زمان اسناد تجاری

برات

مهمترین و قدیمی‌ترین سند تجاری مورد استفاده برات است. باب چهارم قانون تجارت ایران اختصاص به سه سند تجاری (برات، سفته و چک) داده شده است.

عمده مقررات مربوط به اسناد تجاری ذیل عنوان برات آمده است که مواد آن از ۲۳۳ آغاز می‌شود تا ماده ۳۰۶.

برات در قانون تجارت تعریف نشده است در حالیکه قانون سفته و چک را تعریف کرده است. علت تعریف نکردن برات این است که در مورد ماهیت حقوقی برات بین حقوقدانان اختلاف است.

تعریف برات

برات سندی است که به موجب آن برات دهنده به برات‌گیر دستور می‌دهد مبلغی در سررسید معین به دارنده برات یا به کسی که دارنده برات سند را به او انتقال می‌دهد پرداخت کند.

در مورد برات سه شخص قابل ملاحظه است: (۱) برات دهنده؛ کسی که برات را صادر کرده است. (۲) برات‌گیر؛ برات به عهده او صادر شده است. (۳) دارنده برات؛ کسی که برات در وجه او یا به نفع او یا بحواله کرد او صادر شده است.

قبل از صدور برات دو رابطه حقوقی موجود بوده است:

(۱) رابطه حقوقی برات دهنده و برات‌گیر

(۲) رابطه حقوقی برات دهنده و دارنده برات

x معامله‌ای با y کرده بوده است و بابت ثمن آن از y طلبکار شده است. از طرف دیگر x معامله‌ای با z کرده است و جنسی را از z خریده و بهای آن را به z بدهکار بوده است.

x براتی صادر می‌کند به عهده برات‌گیر و در وجه دانه برات با این برات x طلبی را که از y دارد به z منتقل می‌دهد. (انتقال طلب).

با صدور برات یک رابطه جدید پیدا می‌شود، برت‌دهنده با صدور برات آن را امضاء می‌کند و برات‌گیر هم زمانی که برات را قبول کند آن را امضا می‌کند. با این دو امضاء، این دو نفر در مقابل دارنده برات تعهدی را به عهده می‌گیرند که هیچ رابطه‌ای با دو رابطه قبلی ندارد. یعنی اگر رابطه قبلی گسیخته شود رابطه ناشی از امضای سند تجاری از بین نمی‌رود.

به عنوان مثال براتگیر برات را قبول می‌کند ولی بعداً می‌فهمد که به اشتباه قبول کرده است و به برات‌دهنده بدهکار نبوده است. با اثبات عدم بدهکاری به برات‌دهنده رابطه مبنایی از بین می‌رود. ولی این امر سبب از بین رفتن رابطه نشای از سند تجاری نمی‌شود.

اسناد تجاری اسناد اَبسَتره هستند یعنی اسنادی مجرد از رابطه مبنایی هستند.

ماهیت حقوقی برات

در مورد ماهیت حقوقی این برات و این رابطه حقوقدانان نظراتی ابراز داشته‌اند.

(۱) برخی معتقدند ماهیت حقوقی برات را می‌توان با تئوری انتقال طلب توجیه کرد. مکانیسم انتقال

طلب در برات به روشنی مشخص است. یعنی زمانی برات‌دهنده برات را بر عهده برات‌گیر و به

نفع دارنده برات صادر می‌کند طلب برات‌دهنده از برات‌گیر به دارنده برات منتقل می‌شود.

با انتقال طلب طبق مقررات مدنی دارنده برات فقط می‌تواند به براتگیر رجوع کند و برات‌دهنده برئ‌الذمه

می‌شود ولی طبق مقررات قانون تجارت دارنده برات هم می‌تواند به براتگیر رجوع کند و هم به برات‌دهنده

البته پس از اینکه براتگیر برات را پرداخت نکرد. بنابر این این تئوری چندان مورد قبول واقع نمی‌شود.

(۲) برخی دیگر ماهیت حقوقی برات را از طریق تبدیل تعهد توجیه می‌کنند. این عده حقوقدانان

می‌گویند وقتی برات‌دهنده طلبکار بوده است می‌پذیرد آنچه را که از برات‌دهنده طلبکار بوده است

از براتگیر بگیرد در واقع به تبدیل تعهد راضی می‌شود.

همانطور که می‌دانید تبدیل تعهد از اسباب سقوط تعهد است و با این تئوری دارنده برات فقط حق مراجعه

به براتگیر را خواهد داشت و حق رجوع به برات‌دهنده را از دست می‌دهد. که خلاف قوانین برات است.

بنابراین این تئوری مدنی هم نمی‌تواند ماهیت حقوقی برات را توجیه کند.

۱) امضاء یا مهر برات‌دهنده: این امضاء یا مهر دلالت بر قصد انشاء برات‌دهنده است. باید دلیلی وجود داشته باشد که احراز شود برات‌دهنده برات (رابطه حقوقی) را به وجود آورده است و تنها دلیل معتبر امضاء یا مهر است.

چرا علاوه بر امضاء مهر هم معتبر است؟

۱. در زمان تصویب قانون، اکثریت مردم ایران (۹۰٪) بیسواد بوده‌اند و اگر تنها امضا معتبر شناخته می‌شد بسیاری از بازرگانان از صدور برات محروم می‌شدند و این امر قابل قبول نبود.

۲. امضاء پدیده‌ای غربی بود و در آن زمان تازه در ایران رواج یافته بود و مردم ایران چندان امضاء را نمی‌شناختند و بیشتر از مهر استفاده می‌کردند.

در بیشتر قباله‌نامه‌ها، صلحنامه‌ها، مبیعه‌نامه‌ها و ... مداخله‌کنندگان حواشی آن را مهر می‌کردند. عده‌ای هم به عنوان سچل آن را مهر می‌کرده‌اند.

آنچه عرفاً از امضاء فهمیده می‌شود آن است که فرد شخصاً به دست خود آن چیزی که امضای خود می‌داند روی کاغذ بکشد. اگر مه امضاء روی کاغذ بزند امضاء تلقی نمی‌شود و مهر است.

اگر دو یا چند نفر به عنوان برات‌دهنده براتی را امضاء کنند و دارنده برات لازم باشد به آنها مراجعه کند مسئولیت آنها در مقابل دارنده برات نسبی است یا تضامنی؟

برای تعیین مسئولیت باید توجه داشت اصل بر مسئولیت نسبی است مگر اینکه نص خاصی در قانون داشته باشیم. در هیچ قانونی نصی وجود ندارد که امضاء کنندگان یک سند مسئولیت تضامنی دارند پس مسئولیت آنها نسبی است اگر تعداد براتگیرها هم متعدد باشد باز هم مسئولیت آنها در مقابل دارنده برات نسبی است. در رجوع به اصل ⇨ اصل بر نسبی بودن مسئولیت جمعی است.

۲) قید کلمه برات: علت آن است که صادرکنندگان برات بدانند که چه تعهداتی بر عهده آنان قرار می‌گیرد. تعهدات ناشی از اسناد تجاری سنگین است و باید صادر کنندگان برات از آن مطلع شوند.

۳) تاریخ تحریر به روز، ماه، سال: یعنی تاریخ صدور برات با ذکر روز و ماه و سال.

برای این شرط فوایدی می‌توان ذکر کرد:

۱. این تاریخ معلوم می‌کند که برات دهنده هنگام صدور برات حق چنین کاری داشته است یا نه. به عنوان مثال تاجر ورشکسته در حال توقیف از مداخلات در اموری تجاری (صدور برات و ...) ممنوع است و صدور برات از چنین فردی محکوم به بطلان است.

۲. در مورد مرور زمان اسناد تجاری: برات‌دهنده در قبال دارنده برات مسئولیت تضامنی دارد. این مسئولیت تضامنی مطابق مقررات مرور زمان اسناد تجاری که در فصل ۴ باب ۴ قانون تجارت آمده است ممکن است مشمول مرور زمان قرار گیرد. بنابراین تاریخ برات مشخص‌کننده آغاز مرور زمان برات است.

۳. زمانی که سررسید برات به وعده از تاریخ صدور برات است تعیین تاریخ صدور برات ضروری است و بدون آن نمی‌توان سررسید برات را معین کرد.

ماده ۲۲۵ ق.ت بیان می‌کند تاریخ تحریر با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر علی‌رغم تصریح ماده ۲۲۵ تاریخ تحریر با عدد نوشته شود نه با حروف آیا این تاریخ معتبر است یا تاریخ به عدد به تنهایی به منزله عدم بیان تاریخ است؟

شرایط اساسی صحت برات در ماده ۲۲۳ بیان شده است و در ماده ۲۲۳ فقط گفته است برات باید دارای تاریخ صدور باشد و نگفته به حروف یا به عدد.

ماده ۲۲۶ هم که در مورد ضمانت اجرای شرایط است مربوط به شرایط ماده ۲۲۳ است. بنابراین حکم ماده ۲۲۵ دارای ضمانت اجرا نیست خصوصاً با توجه به سیاق ماده ۲۲۵. «تاریخ برات به حروف نوشته می‌شود». نه اینکه «باید نوشته شود».

پس نوشتن تاریخ به عدد تنهایی خدشه‌ای به اعتبار برات وارد نمی‌کند.

۴) نام دارنده برات: نکته مهم این شرط آن است که نتیجه می‌گیریم نمی‌توان برات را در وجه حامل صادر کرد. در حالیکه در مورد سفته و چک صدور سند در وجه حامل بلامانع است. و قابل توجیه نیست چرا سفته و چک می‌توانند در وجه حامل صادر شوند ولی برات نمی‌تواند. مخصوصاً که برات در وجه شخص معین صادر شده، آن شخص معین می‌تواند آن را در وجه حامل ظهرنویسی نماید یا فقط آن را امضاء کند که در حکم سند در وجه حامل است.

فلسفه ایجاد برات سهولت حمل و نقل پول از شهری به شهر دیگر است. حمل و نقل پول بسیار خطرناک است. برای مقابله با این خطر این رسم را معمول کردند که پول مورد نظر را در شهر خود به صرافی می‌دادند از آن صراف نوشته‌ای می‌گرفتند به عهده صرافی دیگر در شهر مقصد. به همین جهت در آن نوشته نام تاجر ذکر می‌شد و صراف در شهر مقصد فقط وجه را به کسی می‌داد که نام او در سند نوشته شده است. بنابراین سرقت یا گم شدن سند مشکلی ایجاد نمی‌کرد. نوشتن نام دارنده برات در سند یادگار آن زمان‌هاست.

در قرن ۱۶ بازرگانان جنوای ایتالیا به این نتیجه رسیدند که امکان ظهرنویسی در مورد برات باید وجود داشته باشد. البته چنین مقرر کردند که عبارت «...بحواله کرد بپردازید.» باید در برات وجود داشته باشد تا قابلیت ظهرنویسی داشته باشد و اگر این عبارت قید نمی‌شد برات قابل ظهرنویسی نبود. در قرن ۲۰

در مقررات بین‌المللی برات قید شد برات مطلقاً قابل ظهنویسی است، چه عبارت «بحواله کرد» قید شود یا نشود.

۵) قید نام برات‌گیر: کسی که برات را می‌پردازد برات‌گیر است بنابراین قید نام او ضروری است. اولاً لازم است برات را برای قبول کردن برات‌گیر ببرد، ثانیاً در سررسید مقرر نزد برات‌گیر رفته و مبلغ برات را تأدیه نماید.

قید نام برات‌گیر در بارت برات‌گیر را متعهد نمی‌کند مگر اینکه برات‌گیر برات را قبول نموده باشد.

گر چه قانونگذار نمی‌گوید اقامتگاه برات‌گیر باید قید شود ولی به نظر می‌رسد نوشتن اقامتگاه برات‌گیر ضروری است زیرا دارنده برات می‌خواهد به او رجوع کند و بدون دانستن اقامتگاه وی به ویژه امروزه مراجعه به وی امکان ندارد ولی شاید در سال ۱۳۱۱ چندان لزومی نداشته است. امروزه در فرمهای خاص برات که وزارت دارایی چاپ می‌کند محلی برای اقامتگاه برات‌گیر پیش‌بینی شده است.

سوال: آیا صادرکننده برات می‌تواند برات را به نام خود صادر کند؟ (برات‌گیر و صادرکننده برات یکی باشند) به نظر می‌رسد نمی‌توان زیرا قانونگذار در مقام بیان بوده است ولی چنین مسئله‌ای را بیان نکرده است زیرا ماده ۲۲۴ اجازه داده دارنده برات و صادرکننده برات یکی باشد (و ماده ۲۲۷...) بنابراین چون قانونگذار در مورد صدور برات برگردن خود ساکت بوده پس باید گفت چنین اجازه نداده است. به علاوه برات در وجه خود همان سفته است که به آن خواهیم پرداخت.

۶) به جز پول نمی‌تواند چیز دیگر به عنوان موضوع تعهد در برات قید شود. ولی پول معینی موردنظر نیست و هر واحد پولی در دنیا قابل قبول است.

برخی پولها با گذشت زمان دچار کاهش ارزش می‌شود. چون معاملات بازرگانان مدت‌دار است و برات مدت‌دار است به همین دلیل بازرگانان واحد پول را انتخاب می‌کنند که محکم و استوار باشد و دچار کاهش ارزش کمتری شود.

ولی مشکل زمان تأدیه برات بروز می‌کند. زیرا براتگیر ممکن است نتواند ارز خارجی را تهیه کند زیرا ارز در زمان‌های خاصی با محدودیت خرید روبرو می‌شود. به همین دلیل قانون و کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخت وجه برات را به وجه رایج مملکت درست می‌دانند حتی اگر مبلغ برات بر حسب واحد دیگر باشد. در این حالت براتگیر با پرداخت قیمت آن ارز به وجه رایج مطابق قیمت روز بری‌الذمه می‌شود و نمی‌توان او را اجبار به پرداخت ارز کرد چون تکلیف مالایطاق است.

۷) تاریخ برات

تاریخ پرداخت باید معلوم باشد تا زمان ایفای تعهد مشخص شود. تاریخ صدور می‌تواند به ۴ صورت باشد.

۱. برؤیت: یعنی سررسید برات زمانی است که براتگیر برات را برؤیت می‌کند. یعنی تاریخ آن موکول به اراده دارنده سند است. برؤیت یعنی حال بودن زمان پرداخت سند. ولی در عمل چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و کسی برات برؤیت به دیگری نمی‌دهد و به جای آن از چک استفاده می‌کند. برات در معاملات مدت‌دار است و سررسید آن به وعده است نه برؤیت (ولی چک در پرداخت‌های نقدی استفاده می‌شود).

بیان تاریخ بوعده سه حالت دارد.

۲. بوعده از برؤیت: سه ماه از تاریخ برؤیت .

۳. بوعده از صدور: ۵ ماه از تاریخ صدور.

۴. منجزاً تاریخ مشخص باشد. مثلاً ۱۹ اسفند ۱۳۸۲

اگر به یکی از این چهار طریق تاریخ برات مشخص نشود برات بدون تاریخ محسوب شده لذا اعتباری ندارد.

۸) تعیین محل تأدیه برات

ممکن است محل اقامت برات گیر باشد یا نباشد ولی از آنجا که براتگیر متعهد پرداخت وجه برات است به طور معمول محل پرداخت برات محل اقامت برات گیر است ولی این امر بستگی به اراده طرفین سند دارد. و می توانند محل دیگری را تعیین نمایند.

تعیین محل پرداخت هم از نظر دارنده سند مورد اهمیت است هم از نظر برات گیر.

به عنوان مثال:

اگر محل پرداخت در تهران باشد دارنده برات که در تهران واقع است می تواند روی این پول در تاریخ برات در تهران حساب کند. ولی اگر محل پرداخت شیراز باشد چند روز طول می کشد پول به تهران برسد فلذا دارنده برات نمی تواند در تاریخ برات روی پول در تهران حساب کند.

همچنین در مورد برات گیر چون اگر محل پرداخت تهران باشد و برات گیر در شیراز باشد باید چند روز قبل از تاریخ برات مبلغ برات آماده نماید تا بتواند در تاریخ آن را به تهران ارسال نماید. همچنین در مورد تعیین پول رایج محل پرداخت تعیین محل پرداخت اهمیت دارد.

۹) قید اینکه نسخه اول است یا دوم یا ...

اجازه می‌دهد که برات در چند نسخه صادر گردد. اگر در یک نسخه صادر شود و آن نسخه گم شد دیگر دارنده برات هیچ چیزی در اختیار ندارد.

صدور برات در نسخ متعدد موجب می‌شود خطر سوء استفاده از برات بوجود آید. در ایران چون برات در یک نسخه صادر می‌شود رعایت این شرط ضروری نیست.

ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط ماده ۲۲۳

ماده ۲۲۶ ق.ت. ضمانت اجرای ماده ۲۲۳ را بیان می‌کند. ماده ۲۲۶ وصف اساسی برای این شرایط در نظر گرفته است و ضمانت اجرای عدم رعایت آنها را مشخص می‌کند.

در ماده ۲۲۳، ۹ شرط ذکر شده است که ضمانت اجرای ماده ۲۲۶ مربوط به ۷ شرط از این ۹ شرط آن دو شرط بدون ضمانت اجرا هستند که عبارتند از:

۱) شرط مذکور در صدر ماده ۲۲۳: این شرط عبارت است از امضاء یا مهر صادرکننده برات. پیش‌بینی شدن این شرط در ماده ۲۲۶ به این معناست که عدم رعایت آن ضمانت اجرایی ندارد بلکه در هر عمل حقوقی قصد انشاء لازم است و در صدور برات هم قصد انشاء لازم است و این قصد انشا با امضاء یا مهر تحقق می‌یابد. بنابراین بدون مهر یا امضاء که بیانگر اراده انشایی است سند تجاری هیچ اعتباری ندارد.

اگر چه این شرط در ماده ۲۲۶ بدون ضمانت مانده است ولی عدم وجود مهر یا امضاء یعنی عدم وجود قصد انشاء و بدون قصد انشاء هم سند تجاری هیچ اعتباری ندارد و این امر از بدیهیات است.

۲) شرط مذکور در بند ۱: قید کلمه برات روی نوشته.

علت عدم مقرر کردن شرط ضمانت اجرا برای بند ۱ این است که بالاخره کلمه «برات‌دهنده» در جایی به کار می‌رود بنابراین کلمه برات بالاخره در جایی به کار می‌رود به همین دلیل ضمانت اجرایی سنگینی برای آن پیش‌بینی نشده است.

اگر یکی از آن ۷ شرط دیگر موجود نباشد دیگر آن کاغذ برات نخواهد بود و از مقررات راجع به برات تبعیت نمی‌کند.

سوال: آیا شرایط مذکور در ماده ۲۲۳ (۷ شرط) باید از ابتدا در سند موجود بوده یا اینکه اگر فردی کاغذی را سفید امضاء کند یا برخی شرایط را ایجاد کند و برخی را خالی بگذارد و بعد دریافت‌کننده شرایط را کامل کند آیا باز هم آن سند برات خواهد بود؟

پاسخ: در حقوق ما دو اصطلاح «سفید امضا» و «سفید مهر» وجود دارد. یعنی کسی سندی را امضا کرده یا مهر کرده به دیگری بدهد. متداول بودن این دو اصطلاح نشان‌دهنده صحت و جواز این امر است. یعنی صادرکننده می‌تواند تمام یا برخی از ۷ شرط را خالی گذاشته آن را امضاء کننده و دریافت‌کننده برات آن را کامل نماید.

این امر بر اساس تئوری وکالت توجیه می‌شود در واقع صادرکننده به دریافت‌کننده برات وکالت داده است که سایر شرایط را کامل کند. پس سفید امضاء یا سفید مهر دادن سند به دیگری به معنای دادن وکالت در تکمیل مندرجات سند است. البته این وکالت به اولین فرد داده شده است.

ولی نکته اساسی آن است که دارنده ممکن است خارج از حدود اختیارات که صادرکننده به او داده است سند را تکمیل نماید. بالاخره کسی که سند سفید امضاء به دیگری می‌دهد. حتماً قول و قرارهایی با هم داشته‌اند.

به عنوان مثال: فردی به دیگری چک سفید امضاء می‌دهد که پس از محاسبه مبلغ طلب خود را در آن نوشته و آن را وصول نماید. ولی دریافت کننده چند برابر آن مبلغ را می‌نویسد. اگر چک در اختیار شخص ثالث باشد آیا صادرکننده می‌تواند به شخص ثالث اعتراض نماید.

خیر، زیرا بر اسناد تجاری اصل «غیرقابل استناد بودن» حاکم است و نمی‌توان نسبت به شخص ثالث وجه آن را پرداخت نکرد.

بنابراین باید کل مبلغ را پرداخت کرده سپس علیه دریافت کننده اولی چک شکایت کرده علاوه بر دادخواست حقوقی حتی به اتهام شروع به کلاهبرداری از وی شکایت نماید.

صدور برات به نمایندگی

امروزه شرکت‌های بزرگ تجاری در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. برای گسترده کردن فعالیت‌های شرکتها، شرکتهای هواپیمایی به افراد مختلف و آژانس‌ها نمایندگی می‌دهند. بلیطی که نماینده صادر می‌کند عین بلیطی است که اصیل صادر می‌کند.

گاهی اوقات شرایطی پیش می‌آید که نماینده سند تجاری صادر می‌کند. آیا صادرکننده این سند تجاری اصیل است یا نماینده کدام را باید صادر کننده سند به حساب آورد.

با اجتماع دو شرط این سند به نام اصیل صادر شده است:

۱. وقتی نماینده در سند عنوان نمایندگی خود را ذکر کند. زیرا در حقوق تجارت یک اصل وجود دارد و آن تئوری عمل به ظاهر است. یعنی در قراردادهای تجاری باید عمل به ظاهر قرارداد کرد. پس اگر عنوان نمایندگی خود را ذکر نکرد، باید گفت به نام خودش سند صادر کرده است. زیرا اصل عمل به ظاهر قرارداد است.

۲. نماینده دارای اختیار باشد. اگر نماینده اختیار نداشته باشد خود نماینده صادرکننده سند محسوب می‌شود. گاهی اوقات نماینده اختیار دارد. ولی از اختیار خود تجاوز نمی‌کند. مثلاً نماینده اختیار صدور تا ۱ میلیون تومان سند را دارد ولی سندی به مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ صادر می‌کند. در اینجا هم ما دو صادرکننده سند داریم.

تا ۱ میلیون اصیل صادر کننده است. ۴ میلیون باقی نماینده صادرکننده سند است.

امروزه برای برات و سفته فرم‌های مخصوصی وزارت دارایی چاپ کرده است. این فرم‌ها کامل است و حتی خلأهای قانونی را پر می‌کند.

گفتیم برای صدور برات و سفته باید مالیات پرداخت بر روی این فرم‌های چاپی نقش تمبر مالیاتی به میزان ۳ در هزار مبلغ سند چاپ شده است. یعنی با خرید این فرم‌های خاص مالیات مربوطه هم پرداخت شده است. مثلاً برای سفته و برات تا مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان تمبر مالیاتی ۳۰۰۰ تومان بر روی سند چاپی باطل شده است.

تنظیم سند بر روی غیر از این فرم‌های هیچ ممنوعیتی ندارد. حتی عدم الصاق تمبر هم موجب باطل شدن سند نمی‌گردد. بلکه تخلف مالیاتی محسوب شده و فرد به میزان در برابر مبلغ جریمه می‌شود. ولی مردم عادی فقط فرم‌های خاص را به عنوان برات می‌شناسند ولی استفاده از آن فرم‌ها هیچ جنبه الزامی ندارد و می‌توان برات داروی کاغذ عادی طبق شرایط تنظیم نمود.

محل برات

فرانسوی‌ها یک تئوری دارند به نام «محل برات».

به موجب این تئوری که فرانسوی‌ها بسیار به آن اهمیت می‌دهند محل برات عبارت است از:

«طلب یا اعتباری که برات‌دهنده هنگام سررسید برات‌گیر داراست».

در اغلب موارد محل برات عبارت است طلب برات‌دهنده از برات‌گیر. مثلاً فردی جنسی را به دیگری می‌فروشد ولی پول آن را نمی‌گیرد و به جای طلب خود براتی در وجه برات‌گیر (بدهکار) صادر می‌کند. در اینجا محل برات طلب فروشنده است از خریدار(برات‌گیر).

در پاره‌ای از موارد محل برات عبارت است اعتباری که برات‌دهنده نزد برات‌گیر دارد.

در تمام دنیا بانک‌ها به مشتریان خوش حساب خود تا مبلغ معینی اعتبار می‌دهند. یعنی بانک به مشتریان خود اجازه می‌دهد تا از پول بانک چک صادر کنند. حال این مشتری که برای او اعتباری تعیین شده است می‌تواند برای استفاده از این اعتبار برات صادر کند.

لازم نیست محل برات هنگام صدور برات موجود باشد. ممکن است هنگام صدور برات‌دهنده از برات‌گیر طلبکار نباشد. ولی در هنگام سررسید برات‌دهنده از برات‌گیر طلبکار شده باشد.

مثال: شرکتی با فردی قراردادی می‌بندد که آن فرد کالایی برای آن شرکت بسازد در این قرارداد مبلغ قرارداد تعیین می‌شود. فرد می‌تواند پس از انعقاد قرارداد در وجه شرکت برای سررسید برات صادر کند. در حالیکه در زمان صدور برات چون موضوع قرارداد انجام نشده محل برات وجود ندارد ولی در سررسید مقرر محل برات و آن طلب ایجاد شده است.

اثر تئوری محل

اثر مهم این تئوری این است که به محض صدور برات محل برات انتقال می‌یابد. این محل برات از برات‌دهنده به دارنده برات انتقال می‌یابد. با نفس صدور برات این انتقال صورت می‌گیرد. یعنی برات‌گیر (بدهکار) در مقابل دارنده برات بدهکار است نه در مقابل صادر کننده برات.

نفس صدور برات کافی است تا محل بارت از صادرکننده برات به دارنده برات منتقل می‌شود. یعنی قسمتی از دارایی برات‌دهنده به دارنده برات منتقل می‌شود و دیگر طلبکاران برات‌دهنده نسبت به آن مال حقی ندارند.

این ویژگی زمانی ظاهر می‌شود که برات‌دهنده بعد از صدور برات ورشکسته می‌شود. وقتی تاجری ورشکسته می‌شود تمام طلبکاران او را از حقوق مساوی برخوردار می‌شوند.

فرض کنیم تاجری ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دارایی دارد و ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ بدهی دارد. در اینجا ۱/۱۰ طلب طلبکاران موجود است و ۹/۱۰ آن سوخت می‌شود. پس هر طلبکار فقط به ۱/۱۰ طلب خود می‌رسد. اگر چه دارنده برات هم یکی از طلبکاران است ولی در جایی که تئوری محل پذیرفته شده است، محل برات به دارنده برات انتقال یافته و دیگر طلبکاران دقت به محل برات هیچ حقی ندارد که بر خلاف اصل تساوی حقوق طلبکاران است. در ایران تئوری محل پذیرفته نشده است.

ممکن است برات‌گیر به دستور برات‌دهنده یا به میل خود محل برات را بپردازد.

گاهی اوقات ممکن است برات‌گیر از صدور برات مطلع نشده است و با وجود صدور برات مبلغ طلب را برای برات‌دهنده می‌فرستد. در اینجا چون برات‌گیر از صدور برات مطلع نشده است الزامی نیست برات را بپردازد.

وقتی برات‌گیری برات را قبول می‌کند به این معناست که برات‌دارای محل است. ولی ممکن است برات‌گیر برات را قبول کند بدون اینکه بدهکار باشد. از روی سوابق خویشاوندی، دوستی، اعتبار قبلی، ... به عنوان مثال فردی براتی که داماد وی صادر کرده است و به عهده اوست قبول می‌کند بدون اینکه پدرزن به داماد بدهکار باشد. و یادداشتی از داماد می‌گیرد که بدهکار نبوده است. ولی در سررسید دارنده برات به

برات گیر مراجعه می‌کند. در اینجا برات‌گیر نمی‌تواند به آن یادداشت استناد کرده بگوید من بدهکار نیستم. پس برات را نمی‌پردازم.

بنابراین طبق اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات، بدهکار نبودن در مقابل دارنده برات با حسن نیت قابل استناد نیست. ملاک حسن نیت هم عدم اطلاع است و اصل بر حسن نیت و عدم اطلاع است.

بنابر این برات‌گیر باید مبلغ برات را که قبول کرده است بپردازد و آن یادداشت بین پدرزن و داماد قابل استناد است نه مقابل شخص ثالث.

به این نوع برات‌هایی که برات‌گیر بدون بدهکار بودن قبول می‌کند برات سازشی یا دوستانه می‌گویند.

قبول برات

وقتی برات صادر می‌شود برات‌گیر حضور ندارد، برات در صورتی علیه برات‌گیر قابل استناد است که برات‌گیر برات را قبول کرده باشد. اگر برات را قبول نکند هیچ‌گونه تعهدی در قبال دارنده برات نخواهد داشت پس صرف نوشتن نام شخص در برات به عنوان برات‌گیر علیه او ایجاد تعهد نمی‌کند. باید برات‌گیر را قبول کند.

وقتی برات صادر می‌شود ولی هنوز مورد قبول برات‌گیر قرار نگرفته سند ناقصی است، سند زمانی کامل می‌شود و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که برات‌گیر آن را قبول نماید.

مصلحت دارنده برات در آن است که هر چه سریعتر برات را برای گرفتن قبولی به برات‌گیر ارائه کند ولی تکلیفی به این کار ندارد و می‌تواند تا زمان سررسید صبر کند و آن گاه برات را به برات‌گیر ارائه نماید که در اینصورت عمل قبول و پرداخت برات همزمان انجام می‌گیرد. مخصوصاً اینکه اگر بارت‌گیر در کشور دیگری باشد باید دارنده برات، آن را به محل برات‌گیر ارسال نموده و حمل و نقل برات آن را در معرض

خطر قرار می‌دهد. به خاطر اینکه دارنده برات خطر را مضاعف نکند و چود در سررسید دارنده برات باید برات را جابجا کند دیگر یکبار برای قبول و یک بار برای وصول آن را جابجا نکند.

البته اگر در خود برات شرط شده باشد که باید در زمان معین قبولی بگیرد یا قبل از سررسید قبولی بگیرد باید این کار را انجام دهد زیرا یکی از شرایط مندرج در سند است و دارنده برات با توجه به این شرط آن را پذیرفته است و باید به آن عمل کند.

شرایط قبولی برات

قبولی دارای دو شرط است:

۱. به صورت کتبی باشد: قبولی شفاهی حتی اگر به اثبات برسد با توجه به قوانین حاکم بر اسناد تجاری اعتباری ندارد و حتماً باید کتبی باشد.

۲. قبولی در خود سند مندرج شود.

چون قانونگذار مقرر کرده کلیه حقوق دارنده سند از خود سند منشأ بگیرد یعنی همه تعهدات در خود سند مندرج شود.

اسناد تجاری قابل نقل و انتقال اند (همانند پول) پس وقتی مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرد باید کلیه حقوق مربوط به آن هم منتقل شود به همین جهت باید کلیه حقوق و تعهدات در خود سند مندرج باشد و گرنه اگر در سند دیگری بیان شده باشد ممکن است مورد غفلت واقع شود.

معمولاً روی سند برای قبولی در نظر گرفته می‌شود. در فرم‌های چاپی وزارت دارایی هم روی فرم جایی برای نوشتن قبولی در نظر گرفته شده است. البته نوشتن قبولی پشت برات اشکالی ندارد ولی باید کاملاً مشخص شود که کسی که پشت برات مداخله کرده به عنوان قبولی برات بوده است.

در حالیکه امضاء تنها روی برات به معنای قبولی است. ولی امضای پشت برات به تنهایی معرف قبولی نیست و باید مشخص شود که این امضاء به عنوان قبولی است (جمله‌ای در پشت برات بنویسد).

برای قبولی جمله یا کلماتی معین لازم نیست. هر جمله یا عبارت که به کار رود که متضمن این معنا (قبولی) باشد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. البته امضاء هم لازم است.

به جز این دو شرط شرایط دیگری لازم نیست، تاریخ اگر چه اهمیت زیادی دارد ولی در قبول برات ذکر تاریخ شرط نیست. در مقررات تجاری سعی شده مقررات در حداکثر راحتی و سهولت باشد. حتی در برخی موارد تاریخی قبولی بسیار مهم است. اگر سررسید برات به وعده از رؤیت باشد باید تاریخ قبولی (رؤیت) معلوم باشد. حتی در این مورد هم اگر تاریخ ذکر نشود خللی ایجاد نمی‌کند و قانون اماره‌ای بدست ما می‌دهد. قانون در این موارد تاریخ قبولی (رؤیت) تاریخ صدور برات است. (ماده ۲۲۸)

قبولی ماهیتاً به معنای اقرار است وقتی برات‌گیر براتی را قبول می‌کند این قبولی دلالت بر این دارد که برات‌گیر پذیرفته بدهکار است. کسی که بدهکار به برات‌دهنده نیست برات را قبول نمی‌کند.

اگر برات‌گیر برات را قبول کند یعنی اقرار کرده به برات‌دهنده بدهکار است. این مسئله از مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ ق.ت برداشت می‌شود. زیرا قبول کننده برات باید وجه برات را بپردازد و حق نکول هم ندارد.

قبول برات حتی از اقرار قانون مدنی هم محکم‌تر است زیرا اقرارکننده می‌تواند ادعا کند اشتباه کرده و فکر می‌کرده به دیگری بدهکار بوده ولی به موجب «غیرقابل استناد بودن ایرادات» دارنده با حسن نیت اسناد تجاری مورد حمایت قرار می‌گیرد.

برات‌گیر نمی‌تواند در مقابل چنین کسی ادعا کند اشتباه کرده است و قبولی او در اثر اشتباه بوده است.

اسناد تجاری اگر بخواهند کار پول را انجام دهند باید محکم و مطمئن باشند و متعهدان در اسناد تجاری نباید بتوانند از اجرای تعهدات خود شانه خالی کنند.

ملاک حسن نیت هم علم و اطلاع دارنده سند تجاری است. اگر دارنده برات مطلع بوده که برات گیر از روی اشتباه برات قبول کرده دارای حسن نیت نیست ولی اگر نمی دانسته دارنده برات با حسن نیت است.

برات گیر نمی تواند تغییراتی حین قبول برات در برات ایجاد نماید. برات گیر یا باید برات با تمام مندرجات آن قبول کند یا کل آن را رد کند و حق تغییری در مندرجات آن ندارد. برات گیر حتی اگر با یکی از مندرجات آن هم موافق نباشد می تواند از برات نکول کند و هیچ اجباری در قبول برات ندارد.

مثلاً اگر محل پرداخت برات تهران باشد و برات گیر بنویسد «برات را قبول کردم ولی در شیراز» چنین قبولی، قبولی مشروط است و در حکم نکول می باشد.

تنها تغییری که در برات می تواند بدهد کاهش مبلغ برات است. چنین براتی هم قبول شده است و هم نکول.

قبولی برات باید بدون قید و شرط باشد و قبولی مشروط در حکم نکول است. (ماده ۲۳۳)

ولی برات گیر در حدود شرطی که قبول کرده است مسئول است. در مقابل قبولی مشروط دارنده برات می تواند برات را نکول شده تلقی کند یا اینکه قبولی مشروط را غنیمت شمارد و منتظر تحقق شرط شود و آن گاه برات را وصول نماید.

برات گیر به هر حال باید برات را بپردازد. شکل برات اقتضای پرداخت برات توسط برات گیر را دارد و معمولاً برات گیر در محل اقامت خود پرداخت می کند و به طور معمول پرداخت برات محل اقامت برات گیر تعیین می شود ولی این امر کاملاً در همه موارد مصداق ندارد.

برات‌گیر در زمان پرداخت پولی برای پرداخت برات ندارد. زیرا نگهداری پول نزد تاجر خلاف احتیاط است. همه تجار پولها را برای نگهداری به بانک‌ها می‌سپارند. زیرا بانک‌ها هم پولها را رایگان نگهداری می‌کنند و حتی سود هم می‌دهند و هیچ خطری پول را تهدید نمی‌کند.

برات‌گیر می‌تواند هنگام قبول برات درج نماید محل پرداخت بانک من است. و در هنگام سررسید دارنده برات مستقیماً به بانک رجوع می‌کند. البته برات‌گیر هماهنگی لازم را باید با بانک انجام دهد که برات‌های قبول شده از سوی او را از حسابش پرداخت کند.

دارنده برات هم برایش راحت‌تر است زیرا نه معطل می‌شود و نه مشکل حمل پول را دارد بکله می‌تواند به بانک رجوع کرده پول را وصول و به حساب خود واریز نماید.

به علاوه برات‌گیر شاید نخواهد دارنده برات که رقیب اوست از کارش سردر بیاورد.

البته نکته مهم این است که بانک یا محل مورد نظر باید در همان شهر محل تأدیه برات باشد زیرا برات‌گیر حق تغییر در مندرجات سند را ندارد. ماده ۲۳۴ ق.ت که به خوبی تنظیم نشده این مفهوم را می‌خواهد بیان کند.

وقتی دارنده برات، برات را به برات‌گیر ارائه می‌کند، برات‌گیر حق دارد از دارنده برات بخواهد مراجعه او را انجام دهند. در مراجعه اول برات‌گیر برات را نه قبول می‌کند نه نکول.

برات‌گیر باید بررسی کند آیا به برات‌دهنده بدهکار است یا نه و ممکن است این بررسی و کنترل مدتی به طول انجامد. (ماده ۲۳۵ ق.ت)

دارنده برات باید به این حق برات‌گیر که قانون برایش محترم شمرده شده، احترام گذارد. این که برات‌گیر بگوید مراجعه دومی داشته باشد به معنای نکول برات نیست.

نکول برات

نکول متضاد قبول است. برات گیر هیچ تکلیفی در قبول برات ندارد و می‌تواند برات را نکول کند. حتی اگر معادل مبلغ برات به برات‌دهنده بدهکار باشد. چون تعهدات ناشی از امضای اسناد تجاری بسیار سنگین است و اشخاص حق دارند زیر بار چنین تعهداتی نروند.

برات در سه صورت نکول شده محسوب می‌شود:

(۱) برات‌گیر صراحتاً برات را نکول کند. کلمه، جمله، عبارتی بنویسد که دلالت بر نکول کند. لازم نیست حتماً «نکول» را به کاربرد بلکه هر جمله‌ای در این معنا به کاربرد متضمن نکول است. مثل خیر، نه، وای (!)، ...

(۲) از قبول و نکول امتناع نماید. یعنی نه می‌نویسد قبول است و نه می‌نویسد نکول است.

(۳) برات را به صورت مشروط قبول کند.

وقتی برات نکول شده محسوب شود دارنده برات حق دارد نگران سرنوشت این سند شود. وقتی شخص می‌پذیرد براتی به او داده شود مسلماً آن شخص با در نظر گرفتن اعتباری که برای برات‌گیر قائل است تن به پذیرش آن برات می‌دهد. اگر برات‌گیر برات را نکول کند، تمام محاسبات دارنده برات به هم می‌ریزد.

به همین دلیل در ماده ۲۳۷ ق.ت قانونگذار به دارنده برات حق داده که به برات‌دهنده و به ظهرنویسان مراجعه نموده و از آنان ضامن بخواهد و اگر برات‌دهندگان به ظهرنویسان از معرفی ضامن خودداری کنند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود. این ضامن که در اینجا مورد نظر است این طور نیست که هر کسی که برات‌دهنده و ظهرنویسان معرفی کردند دارنده برات قبول کند.

بلکه باید ضامن فرد معتبری باشد و دارنده برات ضمانت او را بپذیرد زیرا طرفین عقد برات مضمون له (دارنده برات) و ضامن است.

دارنده برات برای اینکه حق داشته باشد تقاضای معرفی ضامن را داشته باشد باید نسبت به برات نکول شده وخواست نکول تنظیم شده باشد. (اعتراض نکول، پروتست نکول). این مطلب در ماده ۲۳۶ ق.ت بیان شده است.

وقتی براتگیر برات را نکول می‌کند مطابق ماده ۲۳۷ ق.ت دارنده برات، می‌تواند به برات‌دهنده و به ظهرنویسان مراجعه کند و از آنها ضامن بخواهد و در صورتی که برات‌دهنده و ظهرنویسان مورد مراجعه از دادن ضامن خودداری کند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

برای اینکه برات بتواند از این حق مذکور در ماده ۲۳۷ ق.ت برخوردار شود لازم است که نسبت به برات نکول شده اعتراض نکول کرده باشد. طبق ماده ۲۳۶ ق.ت) وقتی برات مورد نکول برات واقع‌گیر شود دارنده برات اگر بخواهد از مزایای مترتب بر نکول برخوردار شود ضرورت دارد نسبت به برات نکول شده وخواست نکول به عمل آورد.

اعتراض نکول، وخواست نکول

قانون تجارت دو اصطلاح به کار برده است: اعتراض و پروتست.

فرهنگستان قدیم به جای این دو اصطلاح، اصطلاح وخواست را به کار برده است. و امروزه همه جا واژه وخواست به کار می‌رود.

اعتراض یا وخواست عبارت است از تأیید رسمی یک چیزی.

وخواست بر دو نوع است: (۱) وخواست نکول، (۲) وخواست عدم تأدیه.

اگر برات گیر هنگام برات آن را نکول کند و دارند برات بخواهد از مزایای نکول برخوردار شود وخواستی که دارند برات می کند دادخواست نکول است.

اگر برات گیر در سررسید برات را پرداخت نکند وخواست دیگری مطرح می شود که بر آن وخواست عدم تأدیه گویند.

پس وخواست یعنی «تأیید رسمی نکول» یا «تأیید رسمی عدم تأدیه»

وخواست حتماً باید به صورت کتبی به عمل آید و آن سندی که متضمن وخواست است، اصطلاحاً به آن وخواست نامه یا اعتراض نامه گویند.

اوراقی به عنوان وخواست مورد استفاده قرار می گیرد و آن اوراق را وزارت دادگستری چاپ می کند و به اشخاص متقاضی می فروشد. این اوراق را اگر مورد دقت قرار دهیم بدین صورت است.

مشفحات کامل وافواست کننده	مشفحات وافواست شونده
کلیه مندرجات روی سند نوشته می شود	شماره ثبت تاریخ ثبت
کلیه مندرجات ظهر سند	طبق مقررات ابلاغ شود. امضاء

این فرم‌ها در سه نسخه تنظیم می‌شود و دارنده سند باید ابتدائاً هزینه و اخواست را پرداخت بکند. که این هزینه، هزینه سنگینی است. ۲۰ در هزار به اضافه مبلغ دیگری. این هزینه به صورت تمبر روی سند الصاق می‌شود یا نقش تمبر را روی آن می‌زنند.

بعد از پرداخت شدن هزینه، باید این و اخواست به دایره و اخواست دادگستری ارائه شود دایره و اخواست زیر نظر رئیس دادگستری یا رئیس مجتمع قضایی فعالیت می‌کند.

این و اخواست‌نامه در دفتر ثبت و اخواست ثبت می‌شود و شماره ثبت و تاریخ ثبت روی و اخواست‌نامه قید می‌کنند.

بعد مرجع قضایی که دایره و اخواست زیر نظر آن قرار دارد در یزر آن قید می‌کند «طبق مقررات ابلاغ شود». و زیر آن را امضاء می‌کند.

این عبارت و امضاء معمولاً روی مهر حک می‌شود و از آن مهر استفاده می‌کنند. بعد و اخواست‌نامه ابلاغ می‌شود. یا توسط مأمور ابلاغ یا توسط مأمور کلانتری.

از سه نسخه یک نسخه به ابلاغ شونده داده می‌شود و مأمور ابلاغ روی دو نسخه دیگر از ابلاغ شونده امضاء می‌گیرد و مأمور ابلاغ کنار آن می‌نویسد در تاریخ فلان این و اخواست ابلاغ شد و خود مأمور هم آن را امضاء می‌کند.

این دو نسخه به دایره ابلاغ بر می‌گردد و مرجع ابلاغ، دو نسخه را به دایره و اخواست برمی‌گرداند. در دایره و اخواست این برگه‌های و اخواست (یک نسخه) را بایگانی می‌کنند.

بعد از ۱۵، ۲۰ روز [پس از ابلاغ] وخواست کننده به دایره وخواست رجوع کرده نسخه دیگر را دریافت می‌کند. یعنی وخواست نامه ابلاغ شده را برای وخواست کننده ارسال نمی‌کند بلکه او باید خودش رجوع کند. این مقررات در مورد هر نوع وخواست (نکول و عدم تأدیه) اجرا می‌شود.

وخواست نکول فقط مخصوص برات است. زیرا فقط در برات بحث نکول مطرح است. ولی وخواست عدم تأدیه هم در مورد برات و هم در مورد سفته هر دو مطرح است. در مورد چک با وجود اینکه ماده ۳۱۴ ق.ت می‌گوید وخواست باید به عمل آید ولی از آنجا که طبق قانون صدور چک در صورت عدم پرداخت چک بانک محالاً علیه باید گواهی عدم پرداخت صادر کند، از سالها پیش در محاکم مخصوصاً در دیوان کشور این عقیده مطرح بود که در مورد چک وخواست مطرح نیست و گواهی عدم پرداخت که بانک محالاً علیه صادر می‌کند به منزله وخواست شناخته می‌شود و در مورد چک وخواست به عمل آمدن لازم نیست. در دو مورد دیوانعالی کشور گواهی عدم پرداخت را در حکم وخواست گرفت ولی این دو رأی هیئت عمومی اصراری بود. ولی دادگاه‌های حقوق زیر بار نمی‌رفتند و به صراحت ماده ۳۱۴ ق.ت استناد می‌کردند.

در سال ۱۳۲۹ رأی وحدت رویه از سوی دیوانعالی کشور صادر گردید که به موجب آن دیگر برای چک وخواست را لازم نمی‌داند و حکم مسئله را به صورت قطعی مشخص کرد.

برای صدور گواهی عدم پرداخت، حتی تقاضا لازم نیست، زیرا طبق قانون چک بانک موظف است بلافاصله در صورت عدم تأدیه گواهی عدم پرداخت صادر نماید. صدور گواهی عدم پرداخت هیچ هزینه‌ای در بر ندارد و در کمترین مدت چند دقیقه صادر می‌شود.

گواهی عدم پرداخت روی کاغذهای چاپی درج می‌شود و مشخصات کامل دارنده چک و صاحب حساب روی آن قید می‌گردد.

یکی از مزیت‌های چک همین است که دیگر نیازی صدور و اخواست نیست و همین گواهی عدم تأدیه که بدون تشریفات، بدون صرف هزینه و در زمانی اندک صادر می‌شود جانشین تقاضای وخواست می‌شود که نیازمند هزینه سنگین و تشریفات بسیار است.

در مورد برات ابلاغ شونده برات‌گیر است. چه وخواست نکول باشد چه وخواست عدم تأدیه وخواست شونده، برات‌گیر است.

در مورد سفته وخواست شونده صادر کننده سفته است.

در مورد وخواست نکول در قانون مدتی مقرر نیست، معمولاً در فاصله بین تاریخ صدور سند و تاریخ سررسید هر زمانی که دارنده سند مقتضی تشخیص دهد می‌تواند برای وخواست نکول اقدام کند مگر اینکه در سند زمان معین شده باشد. (برای اقامه برات)

ولی در مورد وخواست عدم تأدهی مهلت مقرر است. ماده ۲۸۰ ق.ت مهلت ده روز معین کرده است. یعنی ظرف مدت ده روز باید وخواست را در دفتر ثبت وخواست‌ها به ثبت رساند.

در مورد وخواست نکول مزیتی که بر این وخواست مترتب است این است که دارنده سند می‌تواند به برات دهنده و به ظهرنویسان مراجعه کند و از آنها ضامن بخواهد و در صورتی که برات‌دهنده و ظهرنویس مورد مراجعه از دادن ضامن خودداری کند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود ولی مزایای فراوانی بر وخواست عدم تأدیه مطرح است که به تدریج به آن اشاره خواهد شد.

دیدیم و اخواست در مورد برات، به برات‌گیر ابلاغ می‌شود و در مورد سفته به صادرکننده سفته. و می‌دانیم که غیر از برات‌گیر و غیر از صادرکننده سفته اضخاص دیگری در این سند مداخله دارند. و با این امضاء آنها متعهد می‌شوند. وقتی برات با عدم پرداخت رو به رو می‌شود چه کسانی مطلع خواهند بود؟ برات‌گیر و دارنده برات.

اگر دارنده برات به طور ناگهانی برات‌دهنده و ظهرنویسان رجوع کند چون از نکول یا عدم تأدیه اطلاع ندارند با مشکل رو به رو می‌شوند. به همین جهت در کنار ابلاغ و اخواست‌نامه باید اطلاعیه‌ای از سوی دارنده برات برای کسی که برات را از او گرفته ارسال شود.

یعنی دارنده برات اگر برات را از صادرکننده گرفته باید این اطلاعیه را برای او ارسال نماید و اگر از ظهرنویس دریافت کرده اطلاعیه را برای او ارسال می‌کند.

نحوه ارسال این اطلاعیه هم به موجب قانون از طریق اظهارنامه رسمی دادگستری یا نامه سفارشی دو قبضه ارسال نماید.

اظهارنامه بر روی برگه‌های چاپی خاص در سه نسخه تنظیم به دایره اظهارنامه دادگستری تحویل می‌شود. و همانند ابلاغ و اخواست دادگستری عمل می‌کند. (یک نسخه به گیرنده اظهارنامه، فرستنده اظهارنامه و یک نسخه بایگانی در دادگستری).

نامه سفارشی دو قبضه، دارای دو قبض است و پس از تحویل نامه به گیرنده از سوی پست از گیرنده روی آن رسید دریافت می‌شود.

به نظر می‌رسد در حال حاضر رسم فرستادن نامه سفارشی دوقبضه منسوخ شده و مأمور پست در یک دفتری شماره‌نامه و شماره ثبت سفارشی نوشته شده از مخاطب رسید می‌گیرد. و اگر فرستنده به رسید نیاز داشته باشد کپی آن رسید در اختیار او قرار داده می‌شود.

در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ثبت و اخواست در دفتر ثبت و اخواست باید این اطلاعیه ارسال گردد. فردی که اطلاعیه را دریافت می‌کند باید از طریق اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه برای ید سابق خودش اطلاعیه ارسال کند. مدت ارسال این اطلاعیه ده روز پس از دریافت اطلاعیه است.

اگر براتی دارای ۵ ظهرنویس باشد، ت دارنده برات برای ظهرنویس پنجم اطلاعیه ارسال می‌کند و ظهرنویس پنجم برای ظهرنویس چهارم و به همین ترتیب تا ظهرنویس اول که برای برات‌دهنده اطلاعیه صادر می‌کند. این ترتیب در مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ ق.ت ذکر شده است.

در مورد ضمانت اجرای این دو ماده بین قضات اختلاف نظر پیدا شده است. یک شعبه دادگاه شهرستان اظهار نظر کرد که عدم ارسال اطلاعیه موجب می‌شود که حق دارنده سند نسبت به کسانی که سند را امضاء کرده‌اند از بین می‌رود. یعنی حتی اگر اظهارنامه صادر نشود، دارنده سند می‌تواند اعتراض کند مشروط به اینکه تقاضای وخواهی نموده باشد.

برعکس شعبه دیگری در دادگاه شهرستان در دعوی مشابه اظهار عقیده کرد اگر دارنده سند تجاری ارسال اطلاعیه به عمل نیاورده باشد حق مراجعه خود را به برات‌دهنده و ظهرنویسان از دست می‌دهد یعنی در حقیقت یک شعبه دادگاه شهرستان برای این دو ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ قائل ضمانت اجرا بود در حالیکه شعبه دیگر دادگاه شهرستان معتقد بود این دو ماده فاقد ضمانت اجرا هستند.

چون در موضوع واحد بین دو دادگاه هم عرض اختلاف پیدا شده بود، این مسأله قابل طرح در هیئت عمومی دیوانعالی کشور گردید.

هیئت عمومی دیوانعالی کشور هم نظر شعبه‌ای را پسندید که عدم ارسال اطلاعیه حق دارنده سند را در مراجعه به برات دهنده و ظهرنویسان ساقط نخواهد کرد. یعنی دیوانعالی کشور هم این دو ماده را فاقد ضمانت اجرا دانست.

از آن تاریخ به بعد در مورد سفته و برات این دو ماده اعمال نشده‌اند یعنی عملاً این دو ماده متروک مانده‌اند.

متروک ماندن به معنای نسخ نیست زیرا قوانین در صلاحیت دیوانعالی کشور نیست. دیوانعالی کشور فقط مقرر داشته است عدم ارسال اطلاعیه موجب سلب حق دارنده برات نیست.

مطابق قوانین مسئولیت مدنی به هر کس از فعل دیگری خسارت وارد شود، خسارت دیده از واردکننده خسارت تقاضای جبران آن خسارت را به عمل آورد. در اینجا اشخاص طبق این دو ماده موظف به ارسال اطلاعیه هستند و اشخاص هم طبق این دو ماده حق دریافت آن اطلاعیه را دارند. اگر این اطلاعیه‌ها ارسال نشود کسانی که حق دریافت اطلاعیه دارند از اشخاصی که موظف به ارسال اطلاعیه بوندن و آن را نفرستاده‌اند مطالبه خسارت کنند. به شرط آنکه ثابت کنند به علت عدم ارسال اطلاعیه به آنان خسارت وارد شده است. یعنی ضمانت اجرای این دو ماده امکان مطالبه خسارت است.

قبولی شخص ثالث

وقتی برات صادر می‌شود مراد آن است که وجه آن برات توسط برات‌گیر پرداخت شود. کسی که برات به عهده او صادر می‌شود (برات‌گیر) هیچ تکلیفی به قبول برات ندارد و می‌تواند برات را نکول کند حتی اگر معادل مبلغ برات به برات‌دهنده بدهکار هم باشد.

و می‌دانیم که نکول برات به حیثیت تجاری برات‌دهنده شدیداً لطمه می‌زند و از طرف دیگر دارنده برات نگران سرنوشت این سند خواهد شد. وقتی برات‌گیر، برات را نکول کند مسلماً در سررسید هم پرداخت نخواهد کرد. چه بسا دارنده برات به اعتبار برات حاضر به قبول برات شده باشد. و اگر او می‌دانست برات‌گیر برات را قبول نمی‌کند برات را نمی‌پذیرفت و حتی اگر برات‌دهنده هم خودش مبلغ را می‌پرداخته او راضی نبوده بلکه راضی شده بوده به اینکه وجه برات را برات‌گیر بپردازد. (به اعتبار برات‌گیر معامله کرده بوده است)

بنابراین با نکول برات، دارنده برات مطمئن خواهد شد که برات‌گیر برات را در سررسید پرداخت نخواهد کرد. برای اینکه اعتبار برات‌دهنده و ظهرنویس لطمه نبیند و از سوی دیگر نگرانی دارنده برات از سرنوشت سند رفع شود، قانونگذار نهاد حقوقی به نام «قبولی ثالث» را پیش‌بینی نموده است.

یعنی شخص ثالثی مداخله کرده و برات را قبول می‌کند یعنی در سررسید هم آن را پرداخت می‌کند و در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند.

قبولی شخص ثالث به دو صورت امکان دارد:

صورت اول؛ در برات دخالت شخص ثالث پیش‌بینی شود. در برات قید شود که شخص ثالثی برات را قبول نماید و در صورت نکول برات‌گیر دارنده برات به شخص ثالث رجوع نماید. در حقیقت برات‌دهنده یک برات‌گیر یدکی در نظر می‌گیرد.

صورت دوم؛ شخص ثالث به میل خود و به ابتکار خود دخالت نموده برات را قبول نماید. در برات دخالت شخص ثالث قیده نشده است ولی او به دلیل میل خود وارد شده برات را قبول نمی‌کند. مسلماً شخص ثالث به خاطر رضای خدا دخالت نمی‌کند و شخص ثالث با برات‌دهنده ارتباط داشته و برات‌دهنده دخالت را از او خواسته است. ولی مهم این است که دخالت شخص ثالث در برات قید نشده.

در قانون تجارت ما دو ماده اختصاص به قبولی شخص ثالث یافته است. (ماده ۲۳۹ و ۲۴۰)

ماده ۲۳۹:

کسانی که شخص ثالث می‌تواند به نام آنها یا به نفع آنها مداخله کند و برات را قبول کند عبارتند از:

(۱) برات‌دهنده (۲) ظهرنویس

دخالت شخص ثالث به نفع برات‌گیر اصلاً پیش‌بینی نشده زیرا برات‌گیر اصلاً تعهدی به پرداخت ندارد و هیچ الزامی به قبول برات ندارد. برات‌گیر زمانی مسئول است که برات را قبول نموده باشد و اگر برات را نکول کند تعهدی ندارد که شخص ثالث به نفع او دخالت کند. در حالیکه برات‌دهنده و ظهرنویس در مقابل دارنده برات متضامناً مسئول هستند. این دخالت باید در جایی منعکس شود و جایی که قانون می‌گوید باید منعکس شود و اخواست نام نکول است. در و اخواست باید قبولی شخص ثالث قید شود و به امضاء او برسد.

به نظر می‌رسد که باین حرف، خیلی حرف خوبی نیست. زیرا چه اشکالی دارد شخص ثالث در برات قبولی خود را منعکس سازد؟

و همچنین چرا قبولی شخص ثالث حتماً باید پس از واخواست نکول که هزینه‌بر است انجام گیرد؟ هیچ ضرورتی ندارد مداخله شخص ثالث پس از واخواست نکول باشد.

ماده ۲۴۰:

اگر شخص ثالث دخالت نماید علت آن این است که شخص یا اشخاصی که مورد مراجعه قرار گرفته‌اند تا سررسید مصون بمانند و در مورد مراجعه دارنده برات قرار نگیرند.

ولی این ماده خلاف این مطلب را بیان می‌کند و می‌گوید دارنده برات می‌تواند از امتیازات نکول استفاده نماید یعنی به برات‌دهنده یا ظهرنویس رجوع کرده و ضامن بخواهد و اگر ضامن معرفی نکردند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

ظاهر ماده بیان می‌کند که پس از واخواست نکول حتی با وجود قبولی شخص ثالث، می‌توان به برات‌دهنده یا ظهرنویس‌ها رجوع کرد. این امر نقض غرض است زیرا هدف از قبولی شخص ثالث جلوگیری از رجوع به برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها و لطمه نخوردن به حیثیت آنهاست. برای اینکه این امر را نقض غرض ندانیم باید چنین توجیه کنیم:

دو حالت قابل تصور است اگر دخالت ثالث در برات پیش‌بینی شده است، یکی از مندرجات برات را تشکیل می‌شود و دارنده برات حتماً باید به شخص ثالث رجوع کند زیرا برات را با کلیه مندرجات آن پذیرفته است و یکی از مندرجات آن این است که در صورت نکول به شخص ثالث معین رجوع کند و در صورت قبولی شخص ثالث باید تا سررسید صبر نماید.

زیرا دین مؤجل است و علی‌رغم حکم ظاهری ماده ۲۴۰ دارنده برات نمی‌تواند به هیچ‌کس رجوع کند. ولی اگر دخالت شخص ثالث در برات قید نشده باشد، دارنده برات می‌تواند قبولی شخص ثالث را نپذیرد مخصوصاً آنکه قبولی شخص ثالث در واخواست نکول ذکر می‌شود. دارنده برات می‌تواند بگوید من برای شخص ثالث اعتباری قائل نیستم.

اینجاست یعنی فقط در حالت دوم است که اگر شخص ثالث برات را قبول کند، دارنده برات می‌تواند این قبولی را در نظر نگیرد و نپذیرد و در اینجاست که حکم ماده ۲۴۰ اجرا می‌شود و دارنده برات می‌تواند به برات‌دهنده یا ظهرنویس‌ها رجوع کند و ضامن بخواهد.

اما اگر دارنده سند دخالت شخص ثالث را بپذیرد (که نام شخص ثالث در برات نیامده) آیا باز هم می‌تواند از مزایای نکول استفاده کند و از برات‌دهنده ضامن بخواهد؟

در اینجا قانون‌گذار ساکت است. ولی قانون یکنواخت ژنو می‌گوید در چنین مواردی، اگر دخالت شخص ثالث در برات پیش‌بینی نشده باشد و شخص ثالث مداخله کند و دارنده برات هم مداخله را بپذیرد، دارنده برات نباید بتواند به کسی که شخص ثالث به نفع او دخالت کرده و ایادی مابعد او تا زمان سررسید مراجعه نماید. ولی می‌تواند به ایادی ما قبل کسی که شخص ثالث به نفع او مداخله کرد قبل از سررسید رجوع نماید.

مثال: براتی دارای ۵ ظهرنویس است. برات‌گیر برات را نکول می‌کند. دارنده سند واخواست نکول نموده و بعد از واخواست نکول حق دارد به ظهرنویس‌ها با برات‌دهنده رجوع کند و ضامن بخواهد.

در اینجا کسی مداخله نموده، و برات را به نفع ظهرنویس سوم قبول می‌کند. در اینجا دارنده برات حق مراجعه به ظهرنویس سوم و چهارم و پنجم قبل از سررسید را ندارد. ولی قبل از سررسید می‌تواند به برات‌دهنده و ظهرنویس اول و دوم رجوع کند.

باید بپذیریم که برای قبولی شخص ثالث آثاری مترتب است و گرنه باید آن را امر لغو و بیهوده به شمار آوریم. زیرا بین قبولی شخص ثالث و عدم قبولی وی فرقی نخواهد بود اگر حکم ماده ۲۴۰ را در همه جا قابل سرایت بدانیم.

برات‌گیری که برات را نکول کرده می‌تواند خودش به عنوان ثالث برات را قبول کند. زیرا قبول برات به عنوان برات‌گیر به معنای اقرار است. ولی اگر به عنوان ثالث برات را قبول نماید این اقرار به بدهکاری ننموده است و با قبول برات می‌تواند به عنوان دارنده برات به ایادی ما قبل خود و برات‌دهنده رجوع کند.

ضامن

افراد گوناگونی در اسناد تجاری دخالت می‌کنند این اشخاص متعدد دارای عناوین متفاوت هستند. ماده ۲۴۹ ق.ت.کسانیکه در برات مسئولیت پیدا می‌کنند در مقابل دارنده سند را معرفی نموده است.

در صدر ماده افرادی معرفی شده‌اند: برات‌دهنده، برات‌گیر، شخص ثالث قبول‌کننده (کسی که برات را قبول می‌کند) و ظهرنویسان. ظهرنویس ممکن است واحد یا متعدد باشد.

در ادامه این ماهده مفهوم مسئولیت تضامنی تشریح شده است. اگر این سند در سررسید باید به کسی که قرار است وجه این را پرداخت کند ارائه شود که در مورد برات این شخص برات‌گیر است و در مورد سفته این فرد صادر کننده سفته است؛ اگر این افراد پرداخت کردند که مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان متفی

است. زیرا مسئولیت تضامنی زمانی خود را نشان می‌دهد که مسئول پرداخت، وجه سند را پرداخت نکند و اگر پرداخت کند مسئولیت تضامنی سایر افراد ساقط می‌شود.

اگر مسئول پرداخت وجه سند را پرداخت نکند، دارنده سند و خواهی می‌کند و سپس می‌تواند به هر یک که خواست رجوع نماید.

مقررات حاکم بر اسناد تجاری فقط در جهت حفظ منافع دارنده سند وضع نشده، دارنده سند حق رجوع به همه ظهرنویسان و برات‌دهنده را دارد. ولی ظهرنویس هم حق رجوع به ظهرنویسان ماقبل خود و برات‌دهنده را دارد. هر ظهرنویس حق رجوع فقط به ایادی ماقبل خود را دارد. این امر برای حفظ منافع ظهرنویس است چون بدهکار اصلی برات‌گیر است که برات را قبول کرد.

علت اینکه ظهرنویس حق رجوع به ایادی ما بعد خود را ندارد این است که «دور» ایجاد نشود. اگر چنین‌حقی وجود داشته باشد ظهرنویس می‌تواند به ظهرنویس بعد خود رجوع کرده و او به ظهرنویس اول رجوع می‌کند و دور ایجاد می‌شود.

در صورتیکه یکی از این افراد وجه سند را بپردازد همه مسئولین تضامنی برئ‌الذمه می‌شود. ولی حق رجوع دارنده سند تا زمانی که وجه برات وصول نشده به هر یک از این افراد وجود دارد. در رجوع به ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده هیچ ترتیبی لازم نیست رعایت شود.

علاوه بر افراد فوق ضامن‌ها هم نسبت به وجه اسناد تجاری مسئولیت دارند. هم برات‌گیر ممکن است ضامن داشته باشد هم برات‌دهنده و هم ظهرنویس‌ها.

در خود قانون تجارت در دو جا دخالت ضامن پیش‌بینی شده است. یکی ماده ۲۳۷ و یکی ماده ۲۳۸.

در ماده ۲۳۷ برات‌دهنده و ظهرنویسان هستند که باید ضامن بدهند. قبلاً ماده ۲۳۷ را بررسی کردیم. اگر برات‌گیری برات را نکول کند و مورد اعتراض نکول شود برات‌دهنده ظهرنویسان باید ضامن بدهند و اگر ضامن ندهند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

در ماده ۲۳۸ برات‌گیر است که باید ضامن بدهد. اگر برات‌گیری، براتی را قبول کند و آن برات را در سررسید پرداخت نکند و همان برات‌گیر براتی داشته باشد که سررسید آن فرانسیده است، دارنده آن برات می‌تواند از برات‌گیر ضامن بخواهد. البته این ماده ضمانت اجرایی مقرر نداشته است ولی چون قانونگذار هیچ وقت کار لغو نمی‌کند، باید بگوییم اگر برات‌گیر ضامن نداد یا پرداخت برات را به نحوی تضمین نکرد دارنده برات می‌تواند دین را حال تلقی کند. یعنی ضمانت اجرای ماده ۲۳۷ برای ۲۳۸ هم اجرا کنیم. (استفاده از وحدت ملاک)

هر کسی که برات‌دهنده و ظهرنویسان او را به عنوان ضامن معرفی کنند دارنده برات مکلف به پذیرش آن نیست. زیرا عقد ضمان عقدی بین ضامن و مضمون^۱ له (دارنده برات) است و رضایت او شرط است و گرنه عقد ضمان تحقق نمی‌یابد.

کسی که برات‌دهنده، ظهرنویسان را ضمانت می‌کند با همان فرد مسئولیت تضامنی دارد. یعنی باید مضمون^۲ له (دارنده سند) حق رجوع به مضمون^۳ عنه آن ضامن را داشته باشد و گرنه حق رجوع به آن ضامن را ندارد.

دارنده سند برای داشتن حق رجوع به برات‌دهنده و ظهرنویسان باید واخواهی نماید. اگر ظهرنویس ضامن داشته باشد بدون واخواهی دارنده سند حق رجوع به ضامن او را نخواهد داشت.

ضامن باید معلوم کند از چه کسی ضمانت کرده است اگر کسی بدون اینکه تعیین کند مضمون^۵ عنه او کسیت در سند دخالت کند حمل بر آن می‌شود که از برات‌دهنده ضمانت کرده است.

این ضامن در مقابل چه کسانی دارای مسئولیت است؟

اشخاص متعددی در سند تجاری دخالت می‌کنند و حق مراجعه متعلق به آخرین دارنده سند نیست بلکه هر ظهرنویس حق رجوع به ایادی ماقبل خود را دارد.

در سند تجاری بدهکار سند یک نفر است. اگر براتی ۵ ظهرنویس داشته باشد، و براتگیر آن را قبول کرده باشد و چند ضامن هم وجود داشته باشد بدهکار اصلی براتگیر قبول کننده است ولی بقیه مسئول هستند. این افراد چون بدهکار نیستند اگر مورد مراجعه دارنده سند قرار گیرند حق مراجعه به ایادی ماقبل خود را دارد.

ضامن نسبت به ایادی ما بعد مضمون^۵ عنه خود مسئول است. فرض کنید ۵ ظهرنویس درایم و ظهرنویس سوم یک ضامن دارد. این ضامن نسبت به ظهرنویس ۴ و ۵ و دارنده سند مسئول است و آنها حق رجوع به این ضامن را دارند.

ضامن به چه کسانی می‌تواند رجوع کند؟

ضامن حق رجوع به مضمون^۵ عنه خود را دارد به علاوه کلیه کسانی که مضمون^۵ عنه او حق رجوع به آنها را داد. در آن مثال ضامن حق رجوع به ظهرنویس سوم (مضمون^۵ عنه)، ظهرنویس دوم و اول و براتگیر و برات‌دهنده را دارد.

ظهر نویسی (endorsement)

ظهر نویسی یعنی پشت‌نویسی. یعنی دارنده سند مطالبی را پشت سند بنویسد.

ظهنرویسی به سه منظور ممکن است انجام گیرد.

(۱) به منظور انتقال (۲) به منظور وکالت در وصول (۳) به منظور وثیقه

ظهنرویسی به منظور انتقال

ظهنرویسی مکانیسمی است برای انتقال حقوق مترتب بر سند تجاری که در ماده ۲۴۵ ق.ت بیان شده است.

وقتی می‌گوید «انتقال سند با ظهنرویسی به عمل می‌آید» منظور کلیه حقوق ناشی از سند تجاری است.

این مکانیسم از ابتدا وجود نداشته است. برات وقتی صادر می‌شد غیر قابل انتقال بود و فقط کسی که نام او

به عنوان دارنده روی برات نوشته شده بود حق داشت وجه این سند را در سررسید مورد مطالبه قرار دهد.

در قرن ۱۶ بازرگانان جنوای ایتالیا این مکانیسم را ابداع کردند. ولی همه براتها قابل ظهنرویسی نبودند فقط

اسنادی قابل ظهنرویسی بودند که روی آن عبارت «بحواله کرد» ذکر شده بود.

این ترتیب تا قرن ۲۰ ادامه یافت ولی در قانون یکنواخت ژنو (۱۹۳۰) صراحتاً مقرر گردید که برات با

ظهنرویسی قابل انتقال است. خواه همراه با نام دارنده عبارت حواله کرد به کار رفته و خواه اینکه به کار

نرفته باشد. و همانطوری که قبلاً هم گفتیم موضع قانون ما منطبق بر قوانین ژنو است و بنود عنوان حواله

کرد مانعی در ظهنرویسی اسناد تجاری نیست.

باید ببینیم برای ظهنرویسی از نظر شکلی چه شرایطی باید موجود باشد.

ماده ۲۲۶ ق.ت: شرایط ظهنرویسی در این ماده بیان شده است:

در این ماده دو دسته شرط ذکر شده است. یک دسته شرایط الزامی و یک دسته شرایط اختیاری ظهنرویسی

است.

شرایط الزامی عبارتند از:

(۱) کتبی بودن ظهنویسی

(۲) درج شدن ظهنویسی پشت خود برات

از خود عبارت «ظهنویسی» این دو شرط به دست می‌آید ظهر نویسی یعنی پشت سند نویسی.

البته مکانیسم دیگری درانتقال برات وجود دارد و آن مکانیسم «قبض و اقباض» است. اسناد در وجه حامل و اسناد در حکم در وجه حامل را می‌توان با مکانیسم قبض و اقباض منتقل کرد. اگر سند به نام شخص معین باشد دیگر مکانیسم قبض و اقباض فایده ندارد و باید با مکانیسم ظهنویسی منتقل شود. قبض و اقباض‌کننده ظهنویس شناخته نمی‌شوند و مسئولیت تضامنی هم ندارد.

غیر از شرایط الزامی شرایط اختیاری هم در ماده ۲۴۶ بیان شده است: (ممکن است ...)

(۱) ذکر تاریخ ظهنویسی

(۲) کسی که با ظهنویسی سند به او انتقال پیدا می‌کند.

تاریخ فوق العاده مهم است زیرا تاریخ نشان می‌دهد که آیا تاجر در آن زمان حق دخالت در امور مالی خود را داشته یا نداشته است و فواید دیگری هم دارد. با تمام وجودی که تاریخ‌نویسی بسیار اهمیت دارد چون مقررات اسناد تجاری باید ساده و سهل باشد. بنابراین تاریخ‌نویسی دو ظهنویسی ضروری نیست.

اگر تاریخ زده می‌شود باید تاریخ واقعی باشد و اگر تاریخ مقدمی ذکر کند مزور شناخته می‌شود یعنی مرتکب جعل (معنوی) شده است.

شرط دیگر ذکر نام کسی است که ظهرنویسی به نام او انجام می‌گیرد یعنی منتقل^۱ إليه، ظهرنویسی ممکن است در وجه حامل، سفید یا در وجه شخص معین انجام گیرد.

۳) بابت هم می‌تواند از جمله شرایط اختیاری ظهرنویسی به شمار آید.

دیدیم ظهرنویسی هم که وجه سند را پرداخت می‌کند یا علیه او اقامه دعوا به عمل می‌آید او هم به نوبه خود می‌تواند به دیگر امضاء کنندگان یا با ایادی ماقبل خود رجوع کند. پس هر گاه ظهرنویسی‌ها متعدد باشد رشته ظهرنویسی باید مرتب باشد. یعنی تقدم و تأخر ظهرنویسی‌ها معلوم باشد و گرنه ظهرنویسی که وجه سند را پرداخت می‌کند نمی‌تواند به کسی رجوع کند چون نمی‌تواند ثابت کند چه کسانی ایادی ماقبل او هستند.

ار این ترتیب مشخص نشود، دارنده سند را نمی‌تواند دارنده قانونی سند شناخت. چون حق رجوع به ظهرنویس‌ها را ندارد. زیرا در صورتی قانونگذار ظهرنویس را مسئول می‌داند که بتواند به دیگران رجوع کند و اگر نتواند به دیگری رجوع کند مسئول نیست و نمی‌تواند دارنده سند را دارنده قانونی سند دانست.

اگر همه ظهرنویسی‌های سفید باشد، ترتیب لازم نیست چون در واقع ظهرنویس رضایت داده هر کس خواست به او رجوع نماید.

ظهرنویسی به منظور وکالت در وصول

در این نوع ظهرنویسی دارنده سند حقوق مترتب بر سند را انتقال نمی‌دهد بلکه با نوشتن عبارتی در ظهر سند برای وصول آن سند اقدام به ظهرنویسی می‌کند یعنی وصول وجه سند به دیگری واگذار می‌کند. و در عمل بازرگانان و دارندگان اسناد تجاری به نام بانک‌های خودشان این نوع ظهرنویسی را انجام می‌دهند چون بانکها خوب و به موقع عمل می‌کند و کار امروزش را به فردا محول نمی‌کند.

چرا این نوع ظهرنویسی متداول است؟ باید ببینیم که متداول ترین نوع ظهرنویسی این نوع ظهرنویسی است. به دلیل امتیازاتی که این کار دارد و امروز شاید اصلاً نتوان موردی را پیدا کرد که دارنده سند تجاری خود شخصاً برای وصول وجه سند خود اقدام کند و وصول سند را به بانک محول می‌کند. چون اگر خودش بخواهد این کار را انجام دهد با مشکلات و خطراتی رو به رو می‌شود.

اولاً: بازرگانان معمولاً دریافت‌ها و پرداخت‌هایشان از طریق اسناد تجاری است. اگر بازرگانی که به طور معمول و مرتب اسناد تجاری دارد و بانک محال علیه هر کدام در گوشه‌ای از شهر قرارداد اگر بخواهد شخصاً به بانک‌ها رجوع کند و وجوه این اسناد را وصول کند باید تمام وقت خود را به این کار اختصاص دهد. و حتی ممکن است در یک روز موفق به وصول همه اسناد خود نشود.

ثانیاً: اگر خودش بخواهد مراجعه کند و پول را بگیرد باید پول را تحویل بگیرد و تحویل پول امری زمان‌بر و وقت‌گیر است. و هر چیزی که وقت‌گیر باشد مخالف تجارت است. در تجارت عامل مهم سرعت است و هر عامل مخالف سرعت دور انداختنی است.

ثالثاً اگر پول را هم بگیرد حمل پول خطرناک است. و ممکن است مورد سرقت واقع شود. در حالیکه بانک‌ها که وظیفه حمل پول به صورت حرفه‌ای را برعهده دارند این کار را با مأمورین مسلح انجام می‌دهند. رابعاً: اگر پول را به مغازه برد نگهداری پول خطرناک است حتی اگر پول در گاوصندوق نگهداری شود باز هم امکان سرقت مسلحانه و ... وجود دارد.

خامساً در دست داشتن پول از نظر اقتصادی مطلوب نیست و علمای اقتصاد می‌گویند زیاد شدن پول دست مردم تورم ایجاد می‌کند. افزایش پول در دست مردم تورم‌زاست.

سادساً: پول وقتی در دست مردم باشد زود مستهلک می‌شود و هزینه چاپ پول و کاغذ پول بالاست و چون افراد هم پول را به خوبی نگهداری نمی‌کنند پول زود پاره شده هزینه‌ای ایجاد می‌کند تا پول جدید چاپ کنند.

با این اوصاف بسیار منطقی‌تر و عاقلانه‌تر است که وظیفه دریافت اسناد تجاری را بازرگانان بر عهده بانک گذرانند و شخصاً برای این کار رجوع نکنند. به علاوه بانکها به حسابهای سپرده سود می‌دهند.

بنابراین این نوع ظهرنویسی بسیار رایج است به علاوه بانکها این گونه خدمات را رایگان ارائه می‌کند و حق الزحمه‌ای نمی‌گیرد چون بانکها از این پولها استفاده می‌کنند.

ماده ۲۴۷ ق.ت به این نوع ظهرنویسی اختصاص یافته است. در صدر ماده بیان می‌کند ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است. این ظهرنویسی می‌تواند فقط با امضاء تحقق یابد.

و آن گاه هر کس سند را در اختیار دارد مالک سند شناخته می‌شود.

چنین ظهرنویسی را نمی‌توان بعد ادعا کرد وکالت در وصال بوده است. مگر اینکه چیزی دال بر وکالت در وصول نوشته شود.

«لطفاً مبلغ این سند را به وصل و به حساب واریز نمائید.»

ظهرنویسی با این جمله به منزله وکالت در وصول است که در بانکها بر روی مهر حک شده است. ظهر سند نوشته نمی‌شود او وکیل است بلکه دارنده سند محسوب می‌شود.

یعنی کلیه اختیارات دارنده سند را دارد و در صورتیکه سند وصول شود آن را به حساب دارنده اصلی واریز می‌کند و اگر وصول نشود حق واخواهی دارد.

بانک‌ها سالهاست که اسناد تجاری را برای موکلات خود وصول می‌کنند ولی فقط تا وخواست پیش می‌روند شاید چنین فکر می‌کنند چنین اختیاری ندارند. بنابراین سند را با وخواست به ظهنویس برمی‌گرداندند و اقامه دعوی نمی‌کنند. و این ظهنویس تصمیم می‌گیرد که چکار کند آیا اقامه دعوی نماید یا خیر؟

شاید علت این که فکر می‌کنند حق اقامه دعوی ندارند استناد به قانون وکلای دادگستری ۱۳۱۵ می‌باشد که می‌گوید کسی حق اقامه دعوی در دادگاه را دارد که پروانه وکالت دادگستری داشته باشد.

ولی ماده ۲۴۷ ق.ت قانون خاص است و باید این ماده را اعمال نمود. این که قانون وکالت می‌گوید وکیل باید جواز داشته باشد ولی آن قانون عام است و قانون خاص عام را تخصیص می‌دهد هر چند قانون عام مؤخر باشد.

ظهنویسی به عنوان وثیقه

یعنی دارنده سند تجاری از سند خود به عنوان وثیقه استفاده می‌کند. بازرگانان هر قدر از نظر مالی ثروتمند باشند در برخی زمانها نیاز پیدا می‌کنند از بانک‌ها پول بگیرند.

خود بانک‌ها هم استقبال می‌کنند که افراد معتبر از پولهایشان استفاده کنند چون دوباره به بانک پول می‌آورند و اگر به بانک پول نیاید نمی‌توانند درآمد داشته باشند.

هزینه‌های اداره بانک بسیار زیاد است، پرداخت سود بسیار هزینه بالا دارد و به علاوه بانک به دنبال سود است و دوست دارد با پولها و سرمایه‌های خود کار کند. اما بانک این نگرانی را دارد که پولی که می‌دهد برنگردد به همین دلیل وثیقه می‌گیرد.

وثیقه‌ای که معمول است وثیقه ملکی در قالب عقد رهن است ولی این نوع وثیقه‌ها وقت زیاد می‌گیرد و مشکل است و باید به صورت رسمی در دفتر اسناد رسمی ثبت شود و کاغذبازی زیادی دارد و هزینه تنظیم سند رسمی رهن هم بالاست. به علاوه کسی که می‌خواهد از چنین امکانی برخوردار شود پول را برای چند ما بیشتر نمی‌خواهد.

به وسیله وثیقه مال منقول هم عملی نیست زیرا مال منقول در صورتی می‌تواند به عنوان وثیقه اطمینان‌بخش تلقی شود که به تصرف وثیقه گیرنده در آید و وثیقه گیرنده این کار را انجام نمی‌دهد و بانک زیر بار این کار نمی‌رود چون باید فضاهای زیادی را به نگهداری اموال منقول اختصاص دهد و هزینه‌ها زیادی برای بانک‌ها دارد به علاوه مسئولیت سنگینی هم دارد. در کشورهایی هم که بانک وثیقه منقول می‌گیرد، نگهداری آن را به وثیقه‌گذار واگذار می‌کند.

اما اگر سند تجاری به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد در مدت چند دقیقه وثیقه‌گذارنده، سند را ظهرنویسی کرده در اختیار وثیقه گیرنده قرار می‌دهد و چنین می‌نویسد:

«در ازاء مبلغ ریال به نفع» و امضاء می‌کند.

نگهداری این اسناد هم مشکل نیست. علی‌الاصول بانک هر سندی را به عنوان وثیقه نمی‌پذیرد. اسنادی را می‌پذیرد که امضاءکنندگان آن افراد معتبری باشد.

این نوع ظهرنویسی در ق.ت پیش‌بینی نشده است زیرا چهار ماده مربوط به ظهرنویسی ترجمه از قانون فرانسه هستند که در آن زمان این نوع ظهرنویسی در فرانسه رایج نبوده است.

اگر ظهرنویسی به عنوان وثیقه انجام گیرد شخصی که این ظهرنویسی به نفع او انجام شده اگر قبل از سررسید سند به وثیقه گذاشته شده، طلبش را دریافت کند ظهرنویسی را باطل و سند را برمی‌گرداند. و اگر

قبل از وصول طلب، سررسید سند فرا رسد می‌تواند سند را وصول کند طلب خود را بردارد و بقیه را به ظهرنویس بدهد و اگر سند وصول نشود می‌تواند واخواهی کند.

برخی حقوقدانان معتقدند چون رهن عین جایز است و رهن دین باطل (طبق قانون مدنی) رهن اسناد تجاری چون دین است (سند نماینده یک دین است) باطل است.

ولی در قانون تجارت وضع فرق می‌کند. در بورس اوراق بهادار هر روز میلیاردها دلار معامله روی سهام می‌شود. این سهام دقیقاً چیزی شبیه اسناد تجاری هستند. بارنامه‌هایی که صادر می‌شوند نیز قابل وثیقه گذاردن است.

در لایحه قانون تجارت در مورد شرکتهای سهامی هیئت مدیره، می‌بایست تعدادی سهم به عنوان وثیقه، در صندوق شرکت بگذارند که اگر از عمل مدیران خسارتی وارد شد بتوان از محل فروش این سهام این خسارات را جبران کند. در حالیکه سهم هم مثل سند نماینده عین است و بیانگر دین. قبض انبار هم قابل انتقال و وثیقه گذاردن است.

بنابر این به وثیقه گذاردن اسناد تجاری کاملاً صحیح است و ضرورت دارد. و نمی‌توان به قوانین مدنی استناد کرد. ولی چون قانون بیان نکرده است باید این نوع ظهرنویسی به صورت قرارداد انجام گیرد.

پرداخت برات

اسناد تجاری به جای پول در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرند و این اسناد صادر می‌شود، مبادله می‌شود برای اینکه در سررسید پرداخت شود. همان طوری که قبلاً ملاحظه کردید در این اسناد اشخاص متعدد تحت عنوانهای متفاوت دخالت می‌کنند، امضاء می‌کنند و با امضایی که می‌کنند مسئولیت تضامنی پیدا

می‌کنند. یعنی اگر این سند در سررسید پرداخت نشود دارنده سند می‌تواند به هر یک از امضاء کنندگان رجوع کند.

اگر وجه سند از سوی کسی که واقعاً بدهکار است پرداخت شود همه امضاء کنندگان برئ‌الذمه می‌شوند. در این حالت سند دیگر هیچ ارزش ندارد و به آن «لاشه سند» گویند.

ولی اگر این سند را کسی پرداخت کند که در سند بدهکار نیست ولی مسئول هستند، پرداخت کننده در حکم دارنده سند خواهد بود و بدهکار واقعی برئ‌الذمه نمی‌شود.

اگر برات‌گیر برات را قبول کند و پرداخت کند هم ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده برئ‌الذمه می‌شود ولی اگر ظهرنویس چهار برات را پرداخت کند حق دارند به برات‌گیر و ظهرنویس‌های ماقبل خود و برات‌دهنده رجوع کند. زیرا برات‌گیر قبول کننده بدهکار سند محسوب می‌شود و اگر وجه سند را پردازد دیگر حق مطالبه چیزی را ندارد.

مقایسه مقررات ایفای دین و پرداخت اسناد تجاری (قانون مدنی و تجارت)

بین این دو دسته مقررات تفاوت‌های آشکاری وجود دارد:

۱. طبق قانون مدنی مدیون نمی‌تواند دائن را به قبول بخشی از دین مجبور کند ولی قانون تجارت این امر را اجازه می‌دهد. برات‌گیر می‌تواند بخشی از برات را قبول و بخشی را نکول کند. و حتی اگر برات را قبول کند، می‌تواند بخشی از آن را پردازد.
۲. مطابق قانون مدنی دادگاه می‌تواند نظر به وضعیت مدیون، به مدیون مهلت دهد یا قرار اقساط گذارد ولی مطابق قانون تجارت دادگاه چنین حقی ندارد. ماده ۲۶۹ ق.ت به صراحت این مطلب را بیان می‌کند.

۳. مطابق مقررات قانون مدنی هیچ اشکالی ندارد مدیون قبل از سررسید دین خود را تأدیه کند و حتی مطلوب و مستحسن است. ولی طبق ق.ت. مدیون قبل از سررسید حق پرداخت ندارد و اگر قبل از موعد پرداخت نماید باز هم مسئول است. (ماده ۲۵۶ ق.ت.)

برات ممکن است برات در وجه حامل باشد. چنین براتی (سند تجاری در وجه حامل) ممکن است به سرقت رود و برای جلوگیری از پرداخت آن نیاز به حکم دادگاه و تشریفات قضایی است. اگر قبل از سررسید دین خود را بپردازد ممکن است فرد بعد از سررسید با برات مراجعه کند.

۴. اگر دائن به مدیون مهلت دهد مشکلی رخ نمی‌دهد ولی مطابق مقررات حاکم بر اسناد تجاری چنین نیست. مطابق این مقررات این دارنده برات که به برات‌گیر مهلت می‌دهد حق رجوع به سایر مسئولین و ظهرنویسان را ندارد. (ماده ۲۵۷ ق.ت.)

۵. مطابق مقررات عمومی دائن به احقاق حق خود نیاز نیست تشریفات را رعایت کند ولی طبق مقررات تجاری برای وصول سند تجاری و کلاً برای احقاق حق خود باید تشریفات را انجام دهد از جمله واخواست، ... برای اینکه بتواند و حق داشته باشد به همه امضاء کنندگان رجوع کند.

پرداخت از طرف شخص ثالث

برات وقتی با عدم پرداخت رو به رو می‌شود به حیثیت تجاری برات‌دهنده و ظهرنویسان لطمه وارد می‌شود و دارنده براتی هم که به برات دل خوش کرده دچار مشکل می‌شود و با به هم ریختن معادلات تجاریش حتی ممکن است در معرض ورشکستگی قرار گیرد.

برای جلوگیری از این محظورات تأسیس قانونی به نام «پرداخت توسط شخص ثالث» ایجاد شده است. مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳ به این امر اختصاص داده شده است.

ماده ۲۷۰: شخص ثالث یا به نفع برت‌دهنده مداخله می‌کند یا به نفع ظهرنویسان و دخالت به نفع برات‌گیر یعنی ندارد. زیرا یا برات‌گیر برات را قبول نکرده که اصلاً بدهکار محسوب نمی‌شود و نمی‌توان به وی اعتراض کرد. ولی اگر برات‌گیر برات را قبول کرده که بدهکاری است که بدهی‌اش را نداده و این فرد قابل احترام نیست.

شخص ثالث زمانی دخالت می‌کند که برات با عدم پرداخت رو به رو می‌شود شخص ثالث می‌تواند آنچه را که پرداخت کرده می‌توند دریافت کند البته به شرط آنکه از جانب مدیون مأذون بوده باشد. طبق قانون مدنی پرداخت دین از جانب غیر مدیون جایز است ولی ثالث به شرطی می‌تواند به مدیون رجوع کند که مأذون باشد. و گرنه اصل بر تبرعی بودن است.

ولی اینجا لازم نیست شخص ثالث مأذون بوده باشد. (ماده ۲۷۱ ق.ت). شخص ثالث که برات را پرداخت داری کلیه حقوق دارنده برات است. این امر مطلق است و در مورد افراد مأذون نیست بلکه عام است.

اگر چه قانون می‌گوید همه حقوق وی، همه حقوق نیست. به عنوان مثال اگر شخص ثالث براتی را به نفع ظهرنویس سوم پرداخت کند نمی‌تواند به همه ظهرنویسان مراجعه کند. بلکه حق مراجعه به برات‌گیر، برات‌دهنده و ظهرنویسان قبل (اول و دوم و سوم) را دارد و حق رجوع به ظهرنویسان ۴ و ۵ را ندارد. اگر کلیه حقوق دارنده برات را داشت می‌توانست به همه ظهرنویسان رجوع کند. ولی واضح است که نمی‌تواند به ظهرنویسان ۴ و ۵ رجوع کند. (ماده ۲۷۲ ق.ت)

بنابراین در چنین حالتی ظهرنویسهای بعد برئ‌الذمه می‌شود. که این امر حکم کلی ماده ۲۷۱ را تخصیص می‌دهد. افراد متعددی در برات مسئول‌اند. فرض کنیم بیش از یک نفر شخص ثالث پرداخت را می‌پذیرد. مثلاً

شخصی به نفع برات‌دهنده می‌پذیرد و فردی به نفع ظهرنویس سوم. در این حالت دارنده برات باید پیشنهاد کدام را بپذیرد.

قانون می‌گوید دارنده برات باید پیشنهاد کسی را بپذیرد که افراد بیشتری برئ‌الذمه می‌شود. در مثال فوق باید پیشنهاد شخص ثالثی را بپذیرد که به نفع برات‌دهنده می‌پردازد. واگر خود برات‌گیر خواست بپردازد پیشنهاد او بر همه مقدم است. زیرا با پرداخت او همه امضاء کنندگان برئ‌الذمه می‌شود. این حکم در موارد دیگر هم قابل تعمیم است؛ مثلاً کسی براتی را ضمانت کند و مشخص نباشد از چه کسی ضمانت کرده ضمانت از کسی محسوب می‌شود که افراد بیشتری برئ‌الذمه شود. یعنی برات‌دهنده. ضمانت اجرای آن به نظر می‌رسد عدم حق مراجعه به ظهرنویسانی باشد که با آن پرداخت برئ‌الذمه می‌شده‌اند.

مسئولین برات

ماده ۲۴۹ ق.ت در مورد مسئولین برات صحبت می‌کند.

(۱) برات‌دهنده؛ (۲) قبول کننده؛ (۳) ظهرنویس‌ها مسئولیت تضامنی دارند؛ (۴) ضامن‌ها

مسئولیت برات‌دهنده

برات‌دهنده در مقابل دارنده برات دو مسئولیت دارد.

(۱) مسئولیت ناشی از عدم تأدیه (۲) مسئولیت ناشی از نکول

اگر برات‌گیر برات را قبول نکند برات‌دهنده باید ضامن معرفی کند و اگر ضامن معرفی نکند دین مؤجل حال می‌شود ولی برای این کار می‌بایست واخواست نکول انجام دهد. این مسئولیت را برات‌دهنده می‌تواند در برات از خود سلب کند.

مسئولیت دوم ناشی از عدم تأدیه است یعنی در سررسید دارنده برات، برات را به برات‌گیر ارائه کرده برات‌گیر از پرداخت برات خودداری می‌کند. در اینجا دارنده برات حق دراد به برات‌دهنده رجوع کند و وجه برات را از او مطالبه کند. (ماده ۲۴۹ق.ت) ولی دارنده برات برای اعمال حقوق خود وظایفی بر عهده دارد و اگر این وظایف را انجام ندهد باید ببینیم وضع چگونه است؟

در اینجا باید قائل به تفکیک بود:

اگر برات دارای محل بوده: یعنی برات‌دهنده معادل مبلغ برات از برات‌گیر طلبکار بوده و دارنده برات به وظایف خود عمل نکند مسئولیت تضامنی برات‌دهنده ساقط می‌شود.

اگر برات دارای محل نبوده: اگر برات‌دهنده نتواند ثابت کند برات محل داشته، حتی در صورت عدم انجام وظایف دارنده براتحق رجوع به برات‌دهنده را دارد.

این مسئولیت قابل سلب نیست. چون اگر برات‌گیر برات را قبول نکند حق رجوع به برات‌گیر را ندارد و اگر این شرط را نافذ بدانیم حق رجوع به برات‌دهنده را هم ندارد و سندی بی اعتبار خواهد بود.

مسئولیت ظهرنویس‌ها

ظهرنوس هم دو نوع مسئولیت دارد:

۱) مسئولیت ناشی از نکول ۲) مسئولیت ناشی از عدم تأدیه

در مورد مسئولیت ناشی نکول هیچ تفاوتی بین مسئولیت ظهرنویس و برات‌دهنده وجود ندارد. در اینجا هم اگر برات‌گیر برات را نکول کند حق دارد به ظهرنویس رجوع کرده ضامن بخواهد و اگر ظهرنویس از معرفی ضامن خودداری کند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود. در اینجا هم دارنده برات لازم است اعتراض نکول (واخواست نکول) به عمل آمده باشد.

مسئولیت ناشی از عدم تأدیه یعنی اگر در سررسید برات با عدم پرداخت رو به رو شود طبق ماده ۲۴۹ ق.ت دارنده می‌تواند به ظهرنویس مراجعه می‌کند مشروط بر اینکه دارنده برات به وظایف قانونی خود عمل کرده باشد و اگر به وظایف قانونی خود عمل نکند حق رجوع به ظهرنویس را ندارد. (بدون تفکیک قبل)

هر دو نوع مسئولیت را ظهرنویس می‌تواند از خود سلب کند. در این صورت ظهرنویسی در حکم انتقال حقوق است.

مسئولیت برات‌گیر

یا برات را قبول نکرده که هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد نوشتن نام کسی به عنوان برات‌گیر در برات او را متعهد نمی‌کند. برات‌گیر در صورتی مسئول است که برات را قبول کند. قبول برات ماهیتاً اقرار است و برات‌گیر قبول‌کننده مأخوذ به این اقرار است.

قبول یعنی اقرار به بدهکاری. در صورت قبول بدهکار اصلی سند را برات‌گیر است. حتی اگر دارنده برات به وظایف خود عمل نکند باز هم حق رجوع به برات‌گیر قبول‌کننده را دارد.

وظایف دارنده سند

دارنده سند تجاری برای اینکه بتواند کلیه حقوق مترتب بر سند را اعمال کند وظایفی به عهده دارد. در مورد گرفتن قبولی، همه دارنده برات هیچ تکلیفی به گرفتن قبولی ندارد می‌تواند اساساً برات را برای گرفتن قبولی به برات‌گیر ارائه نکند و در سررسید برات را ارائه کند و قبولی و مطالبه وجه برات را همزمان انجام دهد. اما اگر در برات شرط شده باشد که دارنده برات برای گرفتن قبولی اقدام کند و یا اینکه در زمان

معینی برات را برای گرفتن قبولی به برات‌گیر ارائه کند مأخوذ به این شرط می‌باشد. (باید مطابق شرط عمل کند)

همچنین اگر سررسید برات بوعده از رؤیت باشد دارنده برات باید مطابق ماده ۲۷۴ ق.ت برات را ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور برای گرفتن قبولی ارائه کند و اگر چنین نکند حق مراجعه خود را از دست خواهد داد.

در سررسید هم دارنده برات وظایفی بر عهده دارد.

نخستین وظیفه او این است که برات را برای مطالبه وجه آن به برات‌گیر ارائه کند. اگر برات‌گیر برات را پرداخت کند عمر سند خاتمه پیدا می‌کند و همه امضاء کنندگان برئ‌الذمه می‌شوند و به این سند می‌گویند «لاشه سند» و بودن این سند در دست برات‌گیر فقط این فایده را دارد که ثابت می‌کند برات‌گیر وجه سند را پرداخت کرده است.

اما اگر برات‌گیر به هر علتی از پرداخت برات خودداری کند دارنده برات وظایف دیگری پیدا می‌کند. مطابق ماده ۲۸۰ ق.ت باید نسبت به این برات (برات پرداخت نشده) اعتراض یا وخواست عدم تأدیه به عمل آید. ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید.

وظیفه سوم ارسال اطلاعیه است. اگر برات با عدم پرداخت رو به رو شود دارنده برات موظف است مطابق ماده ۲۸۴ ق.ت مراتب عدم پرداخت را بوسیله اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه به کسی برات را از او دریافت کرده ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ اعتراض (تاریخی که وخواست‌نامه عدم تأدیه در دفتر ثبت وخواستها به ثبت رسیده) اطلاع دهد.

آن شخصی که اطلاعیه مزبور را دریافت می‌کند او هم به نوبه خود باید اطلاعیه‌ای به همان ترتیب برای ید مقابل خود ارسال کند و در سال این اطلاعیه‌ها باید آن قدر ادامه پیدا کند تا آخرین اطاعیه بدست صادر کننده برسد. عدم ارسال اطلاعیه موجب نمی‌شود که حق مراجعه دارنده سند به امضاکنندگان از بین برود. ضمانت اجرای عدم ارسال اطلاعیه مطالبه خسارت است. یعنی کسی که حق دریافت اطلاعیه داشته اگر این اطلاعیه را دریافت نکند و ثابت کند به علت عدم دریافت اطلاعیه خسارت دیده، حق دارد از کسی که موظف به ارسال اطلاعیه بوده ولی این کار را نکرده مطالبه خسارت نماید.

وظیفه چهارم اقامه دعوا در ظرف موارد مقرر قانونی. مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت دارنده سند باید ظرف مدت یکسال و دو سال اقامه دعوا کند اگر وجه برات در ایران قابل پرداخت است ظرف مدت یکسال و گرنه ظرف مدت دو سال اقامه دعوا کند. یعنی ظرف یکسال یا دو سال دادخواست خود را دفتر دادگاه‌های مربوط ثبت کند. ابتدای این فرصت هم تاریخ و اخواست(ثبت و اخواست) است.

ظهرنویس هم که مورد مراجعه قرار می‌گیرد و وجه سند را پرداخت می‌کند اگر بخواهد حق مراجعه خود را اعمال کند باید مدت یکسال و دو سال مطابق مادتين ۲۸۶ و ۲۸۷ اقامه دعوی کند. ابتدای این مهلت اگر پرداخت کرده باشد فردای آن روزی که پرداخت کرده و اگر پرداخت نکرده باشد و علیه او اقامه دعوی شده باشد فردای روزی است که اخطاریه محکمه را دریافت کرده.

وظیفه پنجم در مورد برات‌هایی است که سررسید آن به رؤیت تعیین شده اگر چنین باشد دارنده برات باید ظرف یکسال از تاریخ صدور آن جهت مطالبه برات به برات‌گیر ارائه کند. (۲۷۴)

اگر به این وظایف عمل نکند حق مراجعه خود را به ظهرنویسان از دست می‌دهد. حق مراجعه خود را به برات‌دهنده را از دست می‌دهد مشروط بر اینکه برات‌دهنده ثابت کند برات دارای محل بوده است.

حقوق دارنده برات

همه اشخاصی که سند را امضاء می‌کنند (مطابق ماده ۲۴۹) در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند؛ به هر عنوانی که باشد. اگر این سند پرداخت نشود و دارنده سند هم به وظایف خود عمل کند حق دارد به هر کدام از آنها مراجعه کند بدون آنکه مجبور باشد ترتیب آنها را رعایت کند.

علاوه بر مطالبه برات و اقامه دعوی حق درخواست قرار تأمین خواسته هم دارد بدون آنکه مجبور باشد برای جبران خسارت مبلغی را صندوق دادگستری ایداع نماید. دارنده سند حق ندارد وجه مطالبه وجه سند را از همه بنماید مگر آنکه هر یک از پرداخت امتناع کنند و اگر پس از دریافت وجه از دیگری مطالبه وجه نماید مرتکب جرم شروع به کلاهبرداری شده است.

برات رجوعی

در این زمان رسم صدور برات رجوعی منسوخ شده است ولی از آنجاییکه در ق.ت این مقررات هست پس لازم است که اطلاعات در این مورد داشته باشیم.

تعریف: براتی است که دارنده برات اصلی به عهده صادرکننده برات اصلی یا یکی از ظهرنویسان برات اصلی صادر می‌کند. پس صادر کننده برات رجوعی دارنده برات اصلی است. و برات‌گیر برات رجوعی یا صادرکننده برات اصلی یا ظهرنویس برات اصلی است. سررسید برات رجوعی همیشه به رویت است چون برای مطالبه وجه برات اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دارنده برات رجوعی کسی است که وجه برات اصلی را می‌پردازد. در گذشته معمولاً دارنده برات رجوعی بانکها بودند.

بانکها همواره پولهایی که در اختیار دارند عمدتاً نمی‌توانند در سرمایه‌گذرای‌های بلندمدت به کارگیرند ولی در سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت مثل پرداخت وجه برات رجوعی می‌توانند مورد استفاده قرار دهند.

مبلغ برات رجوعی از چند قلم تشکیل می‌شود:

(۱) مبلغ برات اصلی

(۲) هزینه و اخواست برات اصلی: چون برات رجوعی پس از و اخواست برات اصلی صادر می‌شود.

(۳) هزینه برات رجوعی (حق تمبر)

(۴) تفاوت نرخ: بانک‌ها که این پولها را می‌پرداختند چیزی اضافه می‌گرفتند که به آن حق دلالی

می‌گویند. (Droit de courtage) که نرخ آن متفاوت بود. مثلاً اگر محل پرداخت رجوعی همان شهر

بود نرخ آن کمتر و اگر با محل پرداخت برات رجوعی متفاوت بود نرخ آن بیشتر بود. مسلماً

تفاوت نرخ، مربوط تفاوت در حق دلالی است.

ماده ۳۰۵: این ماده مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی است. اسناد تابع قوانین محل صدور است که یک

قاعده کلی است که در قانون مدنی آمده است.

مثلاً اگر برات در انگلیس صادر شود باید مطابق قانون انگلیس صحیح باشد و قوانین انگلیس در مورد آن

اجرا می‌شود.

اگر اعمالی بر روی سند انجام گیرد باید تابع قوانین مملکتی باشد که آن عملیات در آنجا روی سند انجام

شده است. (ظهنویسی، ضمان، قبولی و). اگر علیه کسی که در ایران است اقامه دعوا شود نمی‌تواند

ادعا کند.

ماده ۳۰۶: در مورد سند باید و اخواست صادر شود یا اطلاعیه صادر شود. اینها تابع قانون کشوری است

باید در آنجا این اعمال انجام گیرد.

سفته

معدود بودن مواد راجع به سفته مبین آن است که حرف زیادی در مورد سفته وجود ندارد. و عمده مقررات سفته مشابه برات است.

فته، پته به معنای مدرک است، فته طلب: مدرک سند. (Billet à ordre) یا (Promissory note)

ماده ۳۰۷: فرهنگستان اول کلمه سفته را به کار برد (در ترجمه کلمه انگلیسی یا فرانسه) که سین آن مفتوح است (سفته).

در سفته دو شخص دخالت دارند یکی صادرکننده و یکی دارنده و شخص سومی مطرح نیست بر خلاف برات. موضوع سفته عین برات پرداخت مقداری پول رایج است. سفته در عمل مدت‌دار است و برای معاملات مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ولی قانون اجازه می‌دهد سررسید آن عندالمطالبه (حال) باشد ولی توجه باید کرد که در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد اگر چه قانون این اجازه را داده است. کسی که به عنوان دارنده سفته شناخته می‌شود ممکن است اسمش در سند نوشته شود که سفته در وجه شخص معین است ولی ممکن است سفته در وجه حامل صادر شود.

عبارت حواله‌کردی که به کار رفته است هیچ بار حقوقی ندارد و نبود این عبارت مشکل ساز نیست و موجب نمی‌شود سند قابلیت نقل و انتقال پیدا نکند.

شرایط صحت سفته (ماده ۳۰۸)

- ۱) امضاء یا مهر که درست همانند برات است. امضاء یا مهر نشان‌دهنده قصد انشاء صادرکننده است.
- ۲) تاریخ که منظور تاریخ صدور است.
- ۳) مبلغ سفته. مبلغ از شرایط اساسی را تشکیل می‌دهد.
- ۴) تاریخ سررسید: سفته مدت‌دار است و باید تاریخ پرداخت آن در سند قید شود.
- ۵) نام دارنده سند: این شرط با مواد قبل سازگار نیست. زیرا ماده قبل اجازه داده بود که سند در وجه حامل صادر شود.

باید این شرط را تفسیر کرد که فقط مربوط به زمانی است که سفته در وجه شخص معین باشد که در این صورت نوشتن نام دارنده سند اجباری است و اگر در وجه حامل باشد نیازی به رعایت این شرط نیست.

ماده ۳۰۹: این ماده، ماده ارجاع است. فصل اول (برات) شامل ۱۲ مبحث است که به استثنای سه مبحث آن بقیه در مورد سفته نیز اجرا می‌گردد. آن سه مبحث متضمن مقرراتی است که با ماهیت سفته تفاوت دارند. مبحث اول: مربوط به شکل برات است که با شکل سفته تفاوت دارد.

مبحث دوم: در مورد مقررات نکول است که در مورد سفته اصلاً نکول نداریم.

مبحث سوم: مربوط به مقررات قبول شخص ثالث است و وقتی قبولی و نکول در مورد سفته نداریم طبعاً قبولی شخص ثالث هم نداریم.

آیا صدور سفته و معاملات آن ذاتاً تجارته است. بند ۸ ماده ۲ ق.ت که معاملات تجارته ذاتی را ذکر می‌کند صدور و معاملات روی برات ذاتاً تجارته است.

ماده ۳۱۴ ق.ت می‌گوید صدور چک ولو از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً تجاری نیست. برخی حقوقدانان اشاره کرده‌اند که چون مقررات سفته و برات به هم شبیه است با توجه به بند ۸ ماده ۲ ق.ت صدور سفته و معاملات راجع به آنها هم تجارتي هستند.

ولی هیئت عمومی دیوانعالی کشور در رأی اصراری به درستی اعلام داشته است که صدور سفته و معاملات راجع به آن ذاتاً تجارتي نیست زیرا اگر قانونگذار می‌خواست مقررات برات را در این مورد بر سفته بار کند به صراحت اعلام می‌کرد.

ولی سفته و معاملات راجع به آن می‌تواند عمل تجارتي تبعی باشد.

چک

در مورد چک قانون خاص هم داریم که مصوب ۱۳۵۵ است که برخی مواد آن در سال ۷۲ عجلولانه اصلاح شد و در سال ۸۲ آن اصلاحات لغو شد.

در مورد این قانون زیاد بحث نمی‌کنیم چون محل بحث آن حقوق جزای اختصاصی است و ما فقط به بررسی ۸ ماده ق.ت.م.پ.پردازیم.

چک کلمه‌ای انگلیسی است که تلفظ فرانسوی آن شک (Cheque) می‌باشد. و در عربی به صورت شیک به کار رفته است. البته در فارسی باستان چک (به فتح چ) به کار رفته است و به معنای قباله و سند و مدرک است. مشخص نیست که چک معادل شک فرانسوی است یا کلمه فارسی آن (چک) به کار رفته است با توجه به اینکه این قانون از قانون تجارت فرانسه گرفته شده است.

ماده ۳۱۰: تعریف چک در این ماده آمده است. در چک سه شخص دخالت دارند:

(۱) صادر کننده؛ (۲) محالّ علیه؛ (۳) دارنده چک محالّ علیه ممکن است بانک باشد یا نباشد. ولی مطابق قانون صدور چک محالّ علیه حتماً باید بانک باشد یعنی فقط چک‌هایی که محالّ علیه آن بانک داخلی یا خارجی باشد از مقررات قانون صدور چک تبعیت می‌کند. مؤسسه‌های مالی و اعتباری هم نتوانسته‌اند به عنوان بانک شناخته شوند. دارنده چک می‌تواند صادرکننده باشد یعنی چک را به نام خود صادر کند ولی می‌تواند نام غیر را در چک بنویسد. وقتی چک در وجه دیگری صادر می‌شود قانونگذار تئوری محل را پذیرفته است یعنی محل چک با صدور چک به دیگری انتقال می‌یابد.

شرایط اساسی و شکلی چک

ماده ۳۱۱: راجع به شرایط اساسی چک است. هر سند تجاری از نظر شکلی باید دارای شرایطی باشد که در مورد سفته و برات بررسی شد. ماده ۳۱۱ شرایط اساسی چک را بیان می‌کند.

این شرایط عبارتند از:

۱. تاریخ چک (تاریخ صدور چک): تاریخ صدور چک یکی از شرایط اساسی چک را تشکیل می‌دهد. از آنجا که چک دستور پرداخت است و صادرکننده باید هنگام صدور معادل مبلغ چک در حسابش در بانک محالاً علیه موجودی داشته باشد. بنابراین چک حال است و در چک یک تاریخ بیشتر نمی‌تواند مطرح باشد.
چک ابزار پرداخت نقدی است. یعنی وقتی کسی بخواهد پرداختی به صورت نقدی انجام دهد از ابزار چک استفاده می‌کند و بنابراین در چک یک تاریخ بیشتر ذکر نمی‌شود.
ولی در عمل چنین نیست و چکهایی که صادر می‌شود وعده‌دار است. یعنی در کلیه مواردی که باید سفته و برات صادر شود چک صادر می‌شود. به همین دلیل در چک‌های امروزی دو تاریخ مطرح است. تاریخ صدور و تاریخ (وعده) چک.
تاریخ واقعی چک در چک مخفی است و آنچه نوشته می‌شود وعده چک است. اگر ثابت شود چک وعده‌دار بوده و با عدم پرداخت رو به رو شود دیگر جنبه کیفری نخواهد داشت.
به نظر می‌رسد ما باید تاریخ مندرج در چک را به عنوان تاریخ صدور محسوب کرد. اگر هم از نظر کیفری بتوان تاریخ صدور را ثابت کرد ولی از نظر حقوقی فقط تاریخ مندرج در چک باید ملاک قرار داد و این امر به نفع اشخاص ثالث و برای حفظ حقوق آنان است.

۲. محل صدور چک: که آثار بسیار مهم بر آن مترتب است. امروزه فرم‌هایی که به عنوان چک از سوی بانکها چاپ می‌شود محلی برای قید محل صدور در نظر نمی‌گیرند.

۳. امضاء: برای به وجود آمده چک امضای صادرکننده لازم است. در اینجا نامی از مهر به میان نیامده است. در سفته و برات مهر و امضاء هم طراز هستند اما در مورد چک چنین اتفاقی روی نداده و قانونگذار فقط امضاء را لازم دانسته و از قلم انداختن مهر عمدی بوده است.

قانونگذار می‌خواسته افراد بی‌سواد چک صادر نکنند. همیشه در ایران صدور چک که با عدم پرداخت رو به رو شود جرم بوده است.

ابتدا ماده ۲۳۷ قانون مجازات عمومی و سپس ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی. بعدها هم قانون صدور چک به تصویب رسید که ارجاع به ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی می‌دهد. قانون چک ۱۳۳۷ هم همین‌طور و رأساً تعیین مجازات ننموده است. برای اولین بار در قانون چک ۱۳۴۴ مستقیماً مجازات تعیین شده و ماده ۲۳۸ مکرر را نسخ کرده است.

چون صدور چک بلامحل جرم بوده قانونگذار نخواستند افراد بی‌سواد به ناحق تحت تعقیب قرار گیرند به همین جهت زدن مهر در پای چک به جای امضاء پذیرفته است.

۴. وعده دار نبودن: چون چک وسیله پرداخت نقدی است و چون متأسفانه بیشتر چک‌های امروزی وعده‌دار است به این شرط توجه نمی‌کنند. در ابتدا محاکم، چک وعده‌دار را چک نمی‌شناختند و حتی محاکم صادرکننده را قابل تعقیب کیفری نمی‌دانستند. بنابراین صدور چک جرم است نه صدور این نوشته. چک وعده‌دار اصلاً چک نیست. ولی بعدها چک وعده‌دار را چک شناخته شد توسط رویه قضایی علت هم استعمال زیاد چک وعده‌دار بود.

۵. مبلغ چک: اگر چه در این ماده بحثی از مبلغ به میان نیامده است.

۶. ذکر نام محال^۱ علیه: یعنی برای پرداخت چک باید به چه کسی مراجعه کرد. چون در حال حاضر کلیه چک‌ها به عهده بانک‌ها صادر می‌شود و فرمهای چک چاپی است و این فرمها خلأهای قانون چک را پر می‌کنند. هم مبلغ در آن تعیین می‌شود (با حروف و عدد). در بالای چک هم نام بانک محال^۱ علیه و شعبه آن ذکر شده است. علاوه بر این تمام چک‌ها دارای شماره است. علاوه بر چک، شماره حسابی که چک به عهده آن صادر شده است نیز لازم است در چک قید شود. حسابی به عهده آن چک صادر می‌شود حساب جاری است.

۷. نام صادرکننده هم باید روی هر برگ چک نوشته باشد. که برخی بانکها رعایت نمی‌کنند.

۸. روی چک باید مالیاتی پرداخت شود که مالیات آن مقطوع و قیمت آن برای هر قطعه چک ۲۰۰ ریال بوده است. صرفنظر از مبلغ چک.

ماده ۳۱۲: نام کسی که به نفع وی صادر شده است ممکن است در چک قید شود. (چک در وجه شخص معین) یا اینکه در وجه حامل صادر شود که در مورد آن قاعده ید حاکم است.

اگر چک در وجه شخص معین باشد دارنده چک کسی است که نام وی در متن چک نوشته شده است. عبارت «بحواله کرد» آمده در متن چک بار حقوقی ندارد. مکانیسم انتقال چک در وجه شخص معین «ظهنویسی» است ولی چک‌های در وجه حامل ممکن است به جز از طریق ظهنویسی از طریق «قبض و اقباض» نیز انتقال یابد.

ماده ۳۱۳: چک بلافاصله پس از ارائه باید کارسازی شود. (پرداخت شود). خطاب این ماده محال^۱ علیه است یعنی به محض ارائه چک به بانک باید مبلغ آن پرداخت شود حتی اگر پرداخت آن فرا نرسیده باشد. البته این ماده با قانون صدور چک ۱۳۸۲ نسخ ضمنی شده است و بانک نمی‌تواند قبل از تاریخ چک آن را پرداخت کند.

ماده ۳۱۴: صدور چک ذاتاً تجارتي نیست حتی اگر از محلی به محلی دیگر باشد. ولی برخی مقررات راجع به برات که ذاتاً تجارتي است در مورد چک نیز که ذاتاً تجارتي نیست، اعمال می‌شود.

ضمان در این ماده به معنای مسئولیت است. یعنی مسئولیت صادرکننده و ظهرنویس چک مثل مسئولیت صادر کننده و ظهرنویس برات سات. یعنی مسئولیت تضامنی است.

مقررات مربوط به عدم پرداخت چک هم همانند برات است. یعنی مقررات مربوط به واخواست در مورد چک هم باید اجرا شود.

با وجود تصریح این ماده هیئت عمومی دیوانعالی کشور در سال ۶۹ در مقام وحدت رویه رأی صادر کرد که به موجب آن رأی در مورد چک گواهی عدم پرداخت صادر شده توسط بانک محالاً علیه به منزله واخواست تلقی می‌شود.

بنابراین از زمان صدور رأی در مورد چک واخواست صادر نمی‌شود و گواهی عدم پرداخت جایگزین واخواست شده است.

مقررات مربوطه به اقامه دعوی ضمان (مسئولیت) نیز شبیه برات است. یعنی اقامه دعوی علیه صادرکننده چک و ظهرنویسان باید مطابق مقررات مربوط به برات باشد یعنی ظرف یکسال و دو سال باید دعوا اقامه شود.

اصلاً در چک ضمان معنی نمی‌دهد چک وسیله پرداخت نقدی است یعنی پول است. چک یعنی پول، و برای پول ضمانت معنی ندارد. ضمانت در مورد اسنادی وجود دارد که مدت‌دار باشد بنابراین دخالت ضامن در چک معنی نمی‌دهد. دخالت شخصی به عنوان ضامن در چک، ضمان مدنی است یعنی نقل ذمه به ذمه. و با ضمانت صادرکننده چک بری می‌شود. پس در این جا این (واو) زیادی است.

همچنین در مورد گم شدن چک مقررات گم شدن برات حاکم است. یعنی باید فرد به دادگاه مراجعه کرده ضامن دهد و دادگاه حکم عدم پرداخت صادر می‌کند.

ماده ۳۱۵: یکی از شرایط مقرر در ماده ۳۱۱ ذکر محل صدور است که اثر آن اینجا ظاهر می‌شود.

اگر در تهران چک صادر شود به عهده حسابی در تهران ⇨ محل صدور و محل پرداخت تهران.

اگر در کاشان چک صادر شود به عهده حسابی در تهران ⇨ محل صدور کاشان محل پرداخت تهران.

ممکن است محل صدور چک آلمان باشد ولی به عهده حسابی در تهران (محل پرداخت تهران)

اگر محل صدور و محل پرداخت یک شهر باشد دارنده باید حداکثر ظرف ۱۵ روز به بانک مراجعه کند.

اگر محل صدور و پرداخت دو شهر در ایران باشد؛ دارنده باید حداکثر ظرف ۴۵ روز به بانک مراجعه کند.

اگر محل صدور و محل پرداخت دو کشور باشد، دارنده باید حداکثر ظرف ۴ ماه به بانک مراجعه کند.

اگر در مواعد مقرر به بانک مراجعه نکند در صورت عدم پرداخت حق رجوع به ظهرنویس را ندارد و اگر

به دلیل عملی از سوی محال^۱ علیه پرداخت نشود حق رجوع به صادرکننده هم ندارد. و جزء طلبکاران بانک

قرار می‌گیرد.

مثلاً بانک ورشکست شود که در این صورت دارنده چک (پس از انقضای مهلت) در حکم طلبکاران عادی

بانک خواهد بود.

ماده ۳۱۶: امضاء کردن پشت چک به منزله اقرار به دریافت مبلغ چک از بانک است. کسی که در بانک

پشت چک را امضاء می‌کند یعنی اقرا می‌کند که مبلغ چک را از بانک دریافت کرده است.

بانک ابتدا احراز هویت می‌کند و مشخصات کامل دریافت کننده را در ظهر چک نوشته و آن فرد امضاء می‌کند (برخی بانک‌ها در امضاء) و با کارت شناسایی عکس‌دار یا شناسنامه احراز هویت می‌کند.

ماده ۳۱۷: اگر وجه چک باید در ایران پرداخت شود، مطابق قوانین ایران خواهد بود حتی اگر در خارج از ایران صادر شده باشد. مهلت رجوع دارنده چنین چک‌های به بانک محال علیه ۴ ماه است.

